



## تأثیر دانش مالی مدیران عامل بر کیفیت حسابرسی با در نظر گرفتن اثر تعدیل‌کننده توانایی مدیریت

بهرام غنی‌زاده<sup>۱</sup>، محسن دستگیر<sup>۲\*</sup>، افسانه سروش‌یار<sup>۳</sup>

**چکیده:** مدیران عامل خبره به مسائل مالی، نقش مهم و حیاتی را در اتخاذ تصمیم‌های مالی، سیاست-گذاری حسابداری و بهبود کیفیت گزارشات مالی ارسال شده به بازار سرمایه بر عهده دارند. در این خصوص یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اطلاعات مخابره شده به بازار سرمایه صورت‌های مالی حسابرسی شده و اظهارنظر حسابرسان مستقل است. از این رو پژوهش حاضر درصدد بررسی تأثیر دانش مالی مدیران عامل بر کیفیت حسابرسی و نیز بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه بین دانش مالی مدیرعامل و کیفیت حسابرسی است. جامعه‌آماری این پژوهش شامل همه شرکت‌های مورد پذیرش در بورس اوراق بهادار تهران بوده و نمونه‌آماری دربرگیرنده ۱۴۷ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸ بوده است که به روش حذف سیستماتیک انتخاب شده‌اند. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از داده‌های ترکیبی و رگرسیون چند متغیره به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دانش مالی مدیران عامل تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی دارد. همچنین توانایی مدیران نیز دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر کیفیت حسابرسی می‌باشد. نتیجه دیگر پژوهش حاکی از این است که توانایی مدیریت تأثیر معنی‌داری بر رابطه بین دانش مالی مدیرعامل و کیفیت حسابرسی ندارد.

**کلید واژه‌ها:** دانش مالی مدیران عامل، کنترل‌های داخلی، کیفیت گزارشگری مالی، کیفیت-حسابرسی، توانایی مدیریت

۱- دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران  
bahram\_acc@yahoo.com

۲- استاد گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)  
mdastgir@yahoo.com

۳- استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران  
a\_soroushyar@yahoo.com

## ۱- مقدمه

تجربیات گذشته و دانش مدیران عامل خبره در زمینه امور مالی ممکن است نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت گزارشگری مالی داشته باشد. مهارت‌های مالی و تجربیاتی که مدیران عامل در طول سابقه شغلی خود به دست آورده‌اند، با درک عمیق‌تر آنان از مسائل مالی و حسابداری، به آن‌ها در تصمیمات بهینه حسابداری و بهبود فرایند گزارشگری مالی، کمک می‌نماید. علاوه بر این، تجربه و تعامل گسترده با بازارهای مالی، از مدیران عامل، کارشناسان مالی متخصصی ساخته است که آنان دقیقاً از نوع اطلاعات مورد نیاز سرمایه‌گذاران آگاه بوده و از اهمیت اطلاعات حسابداری و تأثیر آن بر ارزیابی شرکت‌ها در بازار آگاهی دارند (کاستودیو و متزگر، ۲۰۱۴). بنابراین، مدیران عامل متخصص در زمینه امور مالی، ممکن است تمایل بیشتری برای مخابره اطلاعات مالی با کیفیت بالاتر به بازار داشته باشند تا سرمایه‌گذاران بتوانند به درستی ارزش شرکت را مورد ارزیابی قرار دهند. علاوه بر این، اگرچه مدیران عامل مستقیماً در نظارت بر فرآیند حسابداری دخالت ندارند ولی می‌توانند با سیاست‌گذاری حسابداری و تصمیماتی که اتخاذ می‌کند مسئولان مالی شرکت را تحت تأثیر خود قرار دهند (فنگ و همکاران، ۲۰۱۱). تجربیات قبلی حسابداری، ارتباط بین مدیران عامل و مدیران مالی را تسهیل می‌کند. به این ترتیب آن‌ها می‌توانند به گونه‌ای صحیح و مؤثر سیاست‌گذاری حسابداری را ایجاد و آن را اجرایی نمایند. علاوه بر این، مدیران عامل که دارای صلاحیت حرفه‌ای در زمینه مالی هستند، به‌طور قابل‌توجهی بر روی رویکردهای مدیریت ریسک و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی تأکید دارند. علاوه بر این، شناسایی گزارش‌های غیرواقعی و گمراه‌کننده مالی؛ بر شهرت مدیران عامل که در مسائل مالی نیز خبره هستند تأثیر نامطلوبی خواهد گذاشت. در حال حاضر توجه بیشتر به بررسی تأثیر "عوامل مدیریتی" بر رویه‌ها، سیاست‌ها، متغیرهای حسابداری و گزارشگری مالی فرا رسیده است (گوناپولوس و فام، ۲۰۱۸).

در جهان رقابتی امروز، مدیران عامل وظیفه‌ای بسیار مهم جهت اداره شرکت‌ها و موفقیت آنان بر عهده دارند و نقش آنها غیرقابل‌انکار است. آن‌ها به عنوان نماینده سهامداران مسئول افزایش بهره‌وری و سودآوری و گذر از بحران‌های اقتصادی را بر عهده دارند. برخی از ویژگی‌های فردی مدیران عامل مانند برخورداری از دانش مالی می‌تواند رفتار و نوع تصمیمات آن‌ها را در سازمان تحت‌الشعاع قرار داده و به موجب آن، شفافیت گزارشگری مالی هم تحت

تأثیر قرار می‌گیرد (طاهری عابد و همکاران، ۱۳۹۷). پژوهش دارفی<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) و کالینان و راش<sup>۵</sup> (۲۰۱۱) نشان داد که مدیران به دلیل آشنایی با اصول و استانداردهای حسابداری می‌توانند رویه‌هایی را که مغایر با اصول حسابداری بوده و توسط مدیران قبلی به کار گرفته شده را کشف نموده و باعث بهبود کیفیت گزارشگری مالی و بهبود کیفیت حسابرسی گردند. همچنین گول و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۸)، در مورد تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت حسابرسی به این نتایج دست یافتند که توانایی بالایی مدیریت، حق‌الزحمه حسابرسی را در شرکت‌هایی که با بحران مالی مواجه بودند افزایش و در شرکت‌هایی که با بحران مالی مواجه نبوده‌اند، کاهش داده‌است. بنگاه‌های اقتصادی که دارای توانایی‌های بالایی مدیریت بودند و در وضعیت بحران مالی قرار داشتند، از سطح ارقام تعهدی کمتری برخوردار بوده‌اند، ولی احتمال افزایش تجدید ارائه صورت‌های مالی آن‌ها نیز بیشتر بوده است. همچنین شرکت‌هایی که از مدیران با توانایی بالاتر بهره‌مند هستند بیشتر به گزارشگری مالی فرصت‌طلبانه یا جسورانه اقدام می‌نمایند تا ارزش سهام شرکت در بازار را به حداکثر برسانند. این فرآیند هنگامی بروز می‌نماید که بنگاه‌های اقتصادی قادر به پرداخت به موقع بدهی نبوده، تحت فشارهای بازپرداخت مطالبات قرار داشته و ناچار هستند تا به ری فاینانس مبادرت ورزند. این فرآیند خطر حسابرسی و هزینه ناشی از خدمات حسابرسی را افزایش و کیفیت حسابرسی نیز کاهش خواهد یافت. نتیجه پژوهش اورادی و همکاران<sup>۷</sup> (۲۰۲۰) نشان داد که تخصص مدیران عامل در زمینه امور مالی، ریسک ناشی از عملکرد ضعیف و ریسک حسابرسی شرکت را کاهش و کیفیت گزارشگری مالی را بهبود بخشیده‌است. همچنین رابطه منفی و معنی‌داری بین دانش مالی مدیران عامل و ضعف در کنترل‌های داخلی وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش کاستودیو و متزگر (۲۰۱۴) و ماتسونگا و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۱۴) نشان داد که دانش مالی مدیران عامل باعث افزایش شفافیت گزارشگری مالی، کاهش گزارشگری مالی نادرست و افزایش کیفیت حسابرسی می‌گردد. همچنین توانایی مدیریت موجب بهبود افشاء، افزایش کیفیت گزارشگری مالی، بهبود محیط اطلاعاتی، کاهش ریسک اطلاعاتی و همچنین عدم تقارن می‌گردد. ریسک اطلاعاتی دارای رابطه منفی با قیمت‌گذاری دقیق سهام در بازار سرمایه است (فرانسیس و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۰۸).

در دهه اخیر این پرسش مهم برای برخی از پژوهشگران مانند اورادی و همکاران (۲۰۲۰)، گوناپولوس و فام (۲۰۱۸)، کال لکار و خان<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۶)، ربیع و همکاران<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۵)،

کاستودیو و متزگر (۲۰۱۴) و ماتسونگا و همکاران<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۴) مطرح گردیده که آیا عوامل مدیریتی هم‌چون دانش مالی مدیرعامل بر متغیرهای مدیریت سود، کیفیت گزارشگری مالی، حق‌الزحمه حسابرس تأثیرگذار می‌باشند یا خیر؟ نامربوط بودن و عدم صداقت در ارائه اطلاعات مالی، می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری غلط استفاده‌کنندگان از اطلاعات گردیده و به تصمیم‌گیرندگان زیان وارد می‌نماید و می‌تواند برای آنان پیامدهای اقتصادی با اهمیتی را در برداشته باشد. انتظار می‌رود دانش مالی مدیران عامل بتواند با ایجاد و یا افزایش کنترل‌های داخلی، باعث بهبود ویژگی‌های کیفی گزارشگری مالی، ارتقاء سطح کیفیت حسابرسی باعث بهبود اطلاعات اقتصادی برای تصمیم‌گیری گردد. بهبود کیفیت گزارشگری مالی باعث می‌گردد تا ارزیابی ریسک و بازده سرمایه‌گذاری به شکل دقیق‌تری انجام شود و موجب تصمیم‌گیری بهینه مدیران و تامین‌کنندگان منابع مالی بنگاه گردد. از این رو ضرورت دارد تا جهت کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در ایران، تأثیر دانش مالی مدیران عامل و توانایی مدیریت بر کیفیت حسابرسی مورد سنجش قرار گیرد. همچنین این مشکل و ابهام می‌تواند برای سرمایه‌گذاران وجود داشته باشد که آیا دانش مالی مدیران عامل و توانایی آنان بر کیفیت حسابرسی و محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی جهت تصمیمات سرمایه‌گذاری تأثیرگذار می‌باشد یا خیر؟ با توجه به اینکه تاکنون در محیط اقتصادی ایران، پژوهشی در این خصوص صورت نپذیرفته‌است. این پرسش مطرح می‌گردد که آیا دانش حسابداری مدیران عامل و توانایی مدیریت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران دارد؟ بنابراین هدف این پژوهش، بررسی تأثیر دانش مالی مدیران عامل بر کیفیت حسابرسی و نیز بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه بین دانش مالی مدیرعامل و کیفیت حسابرسی است. با توجه به مطالب بالا این ضرورت وجود دارد تأثیرگذاری دانش حسابداری مدیران عامل، و توانایی مدیریت بر کیفیت حسابرسی در محیط اقتصادی ایران مورد سنجش واقع گردد. انتظار می‌رود توجه این دو متغیر بتوانند باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی، کیفیت حسابرسی و نهایتاً ریسک اطلاعاتی سرمایه‌گذاری را کاهش دهد. ساختار پژوهش به این شرح است که در ادامه مبانی نظری و پیشینه پژوهش ارائه می‌گردد. سپس فرضیه‌ها، روش انجام پژوهش، یافته‌های پژوهش و بحث و نتیجه‌گیری بیان گردیده است.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تئوری سلسله مراتب<sup>۱۳</sup> در علم مدیریت نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی مدیران عامل همچون سابقه و تجربه کاری، سن، ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی، تحصیلات دانشگاهی و عملکرد آنان در گذشته تا حدودی می‌تواند بر تفسیر، تصمیم‌گیری و غلبه آنان بر مشکلات سازمانی تأثیرگذار باشد. همچنین آموزش و تجربه آنان در یک حوزه خاص نیز عملکرد آنان را بهبود می‌بخشد (هامبریک و مسون<sup>۱۴</sup>، ۱۹۸۴). مطابق با این تئوری و پژوهش اورادی و همکاران (۲۰۲۰)، گوناپولوس و فام (۲۰۱۸) دانش مالی و تحصیلات دانشگاهی مدیران عامل می‌تواند موجب بهبود سیاست‌گذاری حسابداری، کنترل‌های داخلی و محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی گردد در نتیجه انتظار می‌رود این فرآیند بتواند باعث افزایش کیفیت حسابرسی و محتوای اطلاعاتی آن گردد. تئوری سرمایه انسانی<sup>۱۵</sup> نشان داده است که دانش و توانایی‌های مدیران می‌تواند عاملی مهم و تعیین‌کننده برای بهبود عملکرد سازمانی آنان می‌باشد. پیش‌بینی مهم این تئوری این‌گونه است که دستاوردهای سازمانی، بیانگر ارزش‌ها و توانایی‌های مدیران عامل است (آمیت و شومیکر<sup>۱۶</sup>، ۱۹۹۳). این تئوری مطابق با پژوهش دمرجیان (۲۰۱۳) به توانایی مدیریت و سودآوری اشاره دارد. همچنین مطابق با پژوهش فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸) و طاهری عابد و همکاران (۱۳۹۷) توانایی مدیریت می‌تواند باعث گردد تا کیفیت گزارشگری مالی افزون‌تر از گذشته گردیده و به صورت غیرمستقیم موجب بهبود کیفیت و خدمات حسابرسی به بنگاه اقتصادی گردد. از دیدگاه تئوری دینفعان، مدیران-عامل نقش مهمی را در ایجاد توازن منافع بین دینفعان در بنگاه اقتصادی ایفاء می‌کنند. دلیل ظهور تئوری دینفعان کمک به حل چالش‌های پیچیده تجاری امروز شرکت‌ها بوده است. بر اساس این تئوری نقش مدیران در شرکت، کمک به حل مشکلات شرکت در زمینه‌های تجاری، اخلاق، سرمایه‌داری و همچنین افزایش ارزش برای بنگاه اقتصادی است (پارمار و همکاران<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۰). مهم‌ترین چالش‌های تئوری دینفعان کاهش مشکلاتی مانند عدم تقارن اطلاعاتی و ایجاد توازن بین دینفعان مختلف است. مدیرعامل با افزایش کیفیت گزارشگری مالی به صورت مستقیم و افزایش کیفیت حسابرسی بصورت غیر مستقیم نقش مهمی را در این فرآیند و کاهش تضاد در بنگاه بر عهده دارد. تئوری شبکه‌های اجتماعی<sup>۱۸</sup> نشان می‌دهد که روابط

اجتماعی و حرفه‌ای بین عوامل اقتصادی مانند مدیرعامل و حسابرس، بر رفتار، تصمیم‌گیری و کیفیت کار آنان تأثیرگذار است. این تئوری پیوند بین عوامل اجتماعی و اقتصادی را از دیدگاه تاثیر تجربیات بر کیفیت و بهبود انجام کار بین این عوامل بیان می‌کند. این تئوری پیش‌بینی می‌کند که روابط اجتماعی، کیفیت کار و اعتماد را افزایش داده، جریان اطلاعات بین افراد ذینفع تسهیل نموده و هزینه‌های اطلاعاتی را کاهش می‌دهد (گرانووتر<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۵). در تئوری نمایندگی و مفاهیم حاکمیت شرکتی، حسابرس مستقل از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بر اساس این تئوری، حسابرس نه تنها نقش مدیریت رابطه بین سهامداران و مدیران را بر عهده داشته بلکه حسابرسی راه حلی برای حل تضادهای نمایندگی و ایجاد نظم در اطلاعات را ایفاء می‌نماید. از سویی فشارهای حسابرس بر مدیرعامل، منجر به افزایش کنترل‌های داخلی، پیشگیری از تقلب و اشتباه، بهبود کیفیت صورت‌های مالی، افزایش کیفیت حسابرسی و حفاظت از منافع ذینفعان می‌گردد (الوقالیح و همکاران<sup>۲۰</sup>، ۲۰۲۱).

به‌کارگیری مدیران‌عامل که با تئوری‌ها و مباحث دانش مالی آشنا و از تجربه لازم در زمینه حسابداری برخوردار هستند باعث می‌گردد تا آنان نه تنها ارتباط سازمانی بهتر و تأثیرگذارتری را بر مدیران‌مالی داشته باشند بلکه آنان باعث ارتقاء سطح کیفیت صورت‌های مالی و بهبود افشای اطلاعات در یادداشتهای پیوست صورت‌های مالی نیز می‌گردند. تجربه قبلی مدیران‌عامل در حسابداری باعث می‌گردد تا آنان در هنگام تدوین استراتژی‌ها، ایجاد سیاست‌گذاری حسابداری به‌گونه‌ای مؤثرتر عمل نمایند. تجربیات گذشته و دانش مالی مدیران‌عامل ممکن است نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری و کیفیت گزارشگری مالی بنگاه اقتصادی داشته‌باشد (کاستودیو و متزگر، ۲۰۱۴). مدیران‌عاملی که دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته‌های حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، بانکداری، مدیریت و اقتصاد هستند، نسبت به هم‌تایان خود از توانایی بیشتر در تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی، آشنایی بیشتر با قوانین، استانداردها و سیاست‌گذاری‌های حسابداری و نظارت بهتر بر صورت‌های مالی برخوردار بوده و بیشتر از فرض احتیاط، افشاء و اصل محافظه‌کاری در فرآیند گزارشگری مالی پیروی می‌نمایند. آنان قادر هستند در شرایط دشوار اقتصادی، تأمین مالی برون‌سازمانی را افزایش داده و از پاسخگویی بیشتری در هنگام تقسیم سود به سهامداران برخوردار بوده و قادر هستند با دانش مالی خود، اجتناب مالیاتی انجام دهند و توجه بیشتری به واحدهای سازمانی مانند

حسابرسی داخلی و امور مالی دارند. احتمال اینکه آنان نسبت به دیگر مدیران، افشای مالی و کاهش عدم تقارن اطلاعات را درک نمایند، بیشتر است. آنان از کارایی بهتری برخوردار بوده، ریسک اشتباهات را در سیستم کاهش داده، دقت بیشتری در پیش‌بینی‌ها داشته و شفافیت و کیفیت گزارشگری مالی را افزایش می‌دهند (ماتسونگا و همکاران، ۲۰۱۴). درویشی و همکاران (۱۳۹۸) به نقل از بیر و همکاران<sup>۲۱</sup> (۲۰۱۰) در مورد نقش مدیران در شرکت‌ها این-گونه اظهار نظر نموده‌اند: حیات شرکت‌ها به عملکرد مناسب آنها در فضای کسب و کار کنونی وابسته است و مدیریت مهم‌ترین عامل موفقیت شرکت‌ها در جذب سرمایه‌گذاری و سودآوری است؛ چرا که آینده شرکت‌ها در گرو تصمیماتی است که مدیر اتخاذ می‌کند. مدیر روند حرکت از وضع موجود به سوی وضعیت مطلوب را هدایت می‌کند مطابق با شواهد مطالعات اخیر، پیش‌بینی‌های مدیران اطلاعات بیشتری را نسبت به سایر منابع حسابداری در اختیار سرمایه-گذاران قرار می‌دهد. همچنین خواجهی و همکاران (۱۳۹۵) در مورد تاثیرگذاری مدیرعامل بر شرکت اینگونه بیان نموده اند که: مدیران عامل کلیدی برای ارتقاء عملکرد سازمان به شمار می‌روند و تصمیماتی که می‌گیرند در شکست یا موفقیت سازمان‌شان تاثیرگذار است.

تصور بر این است که مدیران عاملی که از دانش مالی برخوردار هستند، باعث می‌گردند تا شرکت در هنگام عرضه اولیه، کمتر از مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی استفاده نمایند. فرض بر این است که ویژگی‌هایی مانند دانش، شهرت و تجارب قبلی مدیران ممکن است بر تصمیم‌گیری، مدیریت و عملکرد آنان در سازمان تاثیرگذار باشد به همین دلیل برخی پژوهشگران، مانند فرانسیس و دیگران (۲۰۰۸) آنان را فوق ستاره نامیده‌اند. تجربیات گذشته و صلاحیت حرفه‌ای مدیران عامل در زمینه مالی ممکن است نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین کیفیت گزارشگری مالی و تسهیل ارتباط موثر بین مدیرعامل و مدیر مالی داشته باشد. این موضوع با تئوری تیم‌های مدیریت ارشد<sup>۲۲</sup> که توسط باندرسون و سوتکلیف<sup>۲۳</sup> (۲۰۰۲) مطرح گردیده نیز همخوانی دارد. بر اساس این تئوری تجربیات قبلی مدیران عامل، ارتباط بین اعضای تیم مدیریت ارشد را در شرکت تسهیل می‌کند (گوناپولوس و فام، ۲۰۱۸). در این پژوهش برای سنجش دانش مالی مدیران عامل از مدل و مبانی نظری گوناپولوس و فام (۲۰۱۸) استفاده گردیده که در بخش روش پژوهش بطور کامل تشریح گردیده‌است.

کیفیت گزارشگری مالی با کیفیت حسابرسی، درهم‌تنیده شده‌است و کیفیت حسابرسی

بستگی به ویژگی‌های ذاتی و کیفیت سیستم گزارشگری مالی شرکت مورد رسیدگی دارد. به احتمال زیاد مدیران عامل در هنگام انتخاب سیستم‌های گزارشگری مالی به کیفیت آن توجه نموده و پیش‌بینی‌های لازم را در این زمینه به گونه‌ای انجام می‌دهند که، سیستم‌های مذکور و گزارشات تولید شده مورد انتظار حسابرس نیز باشند. حسابرسی یکی از اجزای گزارشگری مالی است و از دیدگاه نظری صورت‌های مالی حسابرسی شده محصول مشترک مدیر و حسابرس است. بنابراین، از نظر مفهومی کیفیت گزارشگری مالی معیاری مناسب برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی است (دیفاند و ژانگ، ۲۰۱۴). به کارگیری مدیران عامل با دانش مالی باعث می‌گردد تا کیفیت گزارشگری مالی افزایش یافته و عدم تقارن اطلاعاتی کاهش یابد. آنان در اتخاذ سیاست‌های مالی، محافظه‌کارانه عمل می‌نمایند و بر ارائه بموقع گزارش حسابرسی تأثیرگذار هستند (بمبر و همکاران<sup>۲۴</sup>، ۲۰۱۰).

تعاریف گوناگونی از کیفیت حسابرسی مطرح گردیده، که یکی از مهم‌ترین این تعاریف‌ها توسط دی آنزولو<sup>۲۵</sup> (۱۹۸۱) بیان گردیده است. او کیفیت حسابرسی را استنباط بازار از احتمال توانایی حسابرس در کشف تحریف‌های با اهمیت در صورت‌های مالی و گزارش تحریف‌های با اهمیت کشف شده به ذینفعان می‌داند. از دیدگاه نیکل و همکاران<sup>۲۶</sup> (۲۰۱۳) کاهش بیش‌ازحد هزینه خدمات حسابرسی این پیام را به ما می‌دهد که انجام حسابرسی با اثربخشی کمتری صورت گرفته است (دی فاند و ژانگ<sup>۲۷</sup>، ۲۰۱۴). چنانچه سیستم حسابداری بنگاه اقتصادی دقیق‌تر و فاقد تحریف و اشتباهات با اهمیت باشد، انجام خدمات حسابرسی صورت‌های مالی با کیفیت بالاتری انجام می‌گردد از سویی دیگر بالاتر بودن هزینه خدمات حسابرسی از میزان نرمال، نشان‌دهنده میزان مشکلات زیاد در عملکرد شرکت است که این موضوع باعث کاهش کیفیت خدمات حسابرسی می‌گردد. بنابراین هزینه خدمات حسابرسی (حق‌الزحمه حسابرس) می‌تواند یکی از معیارهای کیفیت حسابرسی باشد (بنی‌مهد و همکاران، ۱۳۹۷).

مگی و تی‌زنگ<sup>۲۸</sup> (۱۹۹۰)، دای<sup>۲۹</sup> (۱۹۹۱) و آنتل و نالباف<sup>۳۰</sup> (۱۹۹۱) افزایش کیفیت حسابرسی را ناشی از ارائه صورت‌های مالی منصفانه و بازتابی از وضعیت و شرایط اقتصادی درونی بنگاه تعریف نموده‌اند (دی فاند و ژانگ، ۲۰۱۴). ارزیابی شواهد اولیه توسط گراهام و هاروی<sup>۳۱</sup> (۲۰۰۱) و پژوهش لینس و همکاران<sup>۳۲</sup> (۲۰۱۰) نشان داد که تأثیر مدیریت بر-سیاست‌های مالی احتمالاً قابل‌ملاحظه خواهد بود. استفاده آنان از تئوری‌های مالی جهت



سیاست‌گذاری حسابداری و حل مشکلات شرکت، بستگی به ساختار سرمایه آنان دارد. حسابرسی صورت‌های مالی موجب آگاهی‌بخشی و افزایش کیفیت صورت‌های مالی می‌گردد و گزارش حسابرس اطلاعات مربوطی را درباره وضعیت شرکت جهت سرمایه‌گذاران ارائه می‌کند که می‌تواند در مبادله اوراق بهادار مورد استفاده قرار گیرد (ایتونن<sup>۳۳</sup>، ۱۴۰۰). کیفیت انجام خدمات حسابرسی از دو منظر گوناگون کمی (مانند اندازه موسسه حسابرسی) و کیفی از قبیل توانایی‌های حسابرس (شامل دانش، تجربه، قدرت تطبیق و کارایی فنی) و اجرای ضوابط حرفه‌ای (شامل استقلال، عینیت، مراقبت حرفه‌ای، تضاد منافع و قضاوت) قابل بررسی است. به دلیل کیفی بودن این خدمات، سنجش آن با دشواری‌هایی مواجه است. از آنجا که پارامترهای متعددی بر کیفیت انجام خدمات حسابرسی تأثیرگذار می‌باشند؛ بررسی و سنجش کیفیت خدمات حسابرسی، موضوعی با اهمیت تلقی می‌گردد (نیکبخت و همکاران، ۱۳۹۵). هرچند کیفیت حسابرسی پس از انجام آن مشخص می‌گردد ولی کیفیت حسابرسی می‌تواند قبل از انجام آن هم تعیین شود و آن انتخاب مؤسسات بزرگ به عنوان حسابرس است. مؤسسات حسابرسی بزرگ از پذیرش حسابرسی برای شرکت‌های کوچک و بعضاً باکیفیت حسابداری پایین خودداری می‌نمایند، زیرا احتمالاً آنان را در معرض وقوع مخاطرات دعاوی قضایی بر علیه موسسه حسابرسی قرار می‌دهد. به همین دلیل یکی از معیارهای کیفیت حسابرسی، انجام حسابرسی توسط مؤسسات بزرگ است. انتظار می‌رود کیفیت حسابرسی مؤسسات بزرگ بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیرگذار باشد (گی‌نور و همکاران<sup>۳۴</sup>، ۲۰۱۶).

سنجش کیفیت خدمات حسابرسی دشوار است زیرا میزان ارزش افزوده‌ای که حسابرس به صورت‌های مالی می‌بخشد به سادگی قابل مشاهده نیست. دی‌فاند و همکاران<sup>۳۵</sup> (۲۰۱۴) معیارهای کیفیت حسابرسی به دو گروه معیارهای خروجی و معیارهای ورودی تقسیم می‌شوند. یکی از معیارهای ورودی اندازه‌گیری کیفیت خدمات حسابرسی، حق‌الزحمه غیرنرمال است. بعضی از محققان مانند هریبر و همکاران<sup>۳۶</sup> (۲۰۱۰) اعتقاد دارند که هر چقدر هزینه انجام خدمات حسابرسی کمتر یا بیشتر از میزان متعارف باشد، کیفیت اجرای عملیات و گزارشگری حسابرسی کمتر خواهد گردید. به عقیده نیکل و همکاران<sup>۳۷</sup> (۲۰۱۳) پایین بودن بیش از حد هزینه انجام خدمات حسابرسی بیانگر آن است که حسابرسی با اثربخشی کمتری انجام گردیده است. استانا و بون<sup>۳۸</sup> (۲۰۱۲) نیز اینگونه نتیجه‌گیری نموده‌اند که بالاتر بودن هزینه انجام

خدمات حسابرسی بیانگر مشکلات زیاد در عملکرد و وضعیت مالی شرکت است. این فرآیند باعث کاهش کیفیت انجام خدمات حسابرسی خواهد گردید. بنابراین، حق الزحمه غیرنرمال در انجام حسابرسی می‌تواند یکی از معیارهای کیفیت در حسابرسی باشد (بنی‌مهد و همکاران، ۱۳۹۷). در این پژوهش برای محاسبه کیفیت حسابرسی از معیار حق الزحمه غیرعادی و مدل چی لین و همکاران<sup>۳۹</sup> (۲۰۱۶) استفاده گردیده که در بخش روش پژوهش بطور کامل تشریح گردیده است.

تخصص و دانش مدیرعامل در زمینه امور مالی می‌تواند، توانایی او را در مواجهه با موضوعات پیچیده مالی افزایش داده و درصد خطاهای او را جهت برآورد و قضاوت‌های اشتباه کاهش دهد. همچنین به عقیده ماتسونگا و همکاران (۲۰۱۴) و کاستودیو و متزگر (۲۰۱۴) شرکت‌هایی که توسط مدیران عامل با دانش و تخصص مالی هدایت و راهبری می‌گردند، از سیاست‌گذاری مالی بهتر، کاهش اشتباهات و تحریفات عمده و افزایش سودآوری بهره می‌برند. از این رو، می‌توان انتظار داشت که دانش و تخصص مالی مدیرعامل، یکی از عوامل کاهش ریسک حسابرسی و به تبع آن، حق الزحمه حسابرسی باشد (باتواج و همکاران<sup>۴۰</sup>، ۲۰۱۵). همکاری و تعامل مدیران عامل دارای دانش مالی با حسابرسان، ریسک و هزینه‌های حسابرسی را کاهش داده، قابلیت اعتماد گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد و باعث هم‌چنین صرفه‌جویی منابع مالی و همچنین خلق ارزش برای بنگاه می‌گردد. آنان باعث بهبود سیاست‌گذاری حسابداری و افشای اطلاعات می‌گردند (کال لکار و خان، ۲۰۱۶). همچنین ربیع و همکاران (۲۰۱۵) به نقل از بمبر و همکاران (۲۰۱۰)، فرانسیس و همکاران<sup>۴۱</sup> (۲۰۰۸) برترند و شوار<sup>۴۲</sup> (۲۰۰۳) این‌گونه عنوان نموده‌اند که تجربه و دانش مالی مدیران عامل، بر گزارشگری مالی تأثیرگذار است. این ویژگی‌ها به آنان کمک می‌کند تا آینده شرکت را پیش‌بینی کنند. انتظار می‌رود این ویژگی‌ها بر اجرای قوانین و مقررات، سرمایه‌گذاران، هیأت مدیره و حسابرسان و نهایتاً گزارش حسابرس تأثیرگذار باشد. همچنین لورتی و گریس<sup>۴۳</sup> (۲۰۱۱) بیان نمودند که مدیران از تکنولوژی روز صنعت آگاهی بیشتری داشته و توانایی و قدرت درک تحلیل بیشتری از شرایط حال و آینده شرکت و صنعت را دارند. ویژگی‌های خاص یک مدیر مانند توانایی، استعداد و شهرت آنان بر بهره‌وری، درآمد و سودآوری تأثیرگذار است. هر چقدر توانایی مدیریت بیشتر باشد انتظار می‌رود پیش‌بینی آن‌ها از ریسک و بازده نیز دقیق‌تر باشد.

همه شرکت‌ها برای ایجاد درآمد از سرمایه، نیروی انسانی و دارایی‌های نوآورانه استفاده می‌نمایند. مدیرانی که از توانایی بالاتری برخوردار هستند به دلیل استفاده از عواملی مانند فرآیندهای بهتر کسب و کار و زنجیره تامین نسبت به هممتایان خود، از بهره‌وری بالاتری برخوردار هستند. آنان در مقایسه با مدیران با کیفیت پایین‌تر، از نسبت خروجی به ورودی بیشتری برخوردار هستند (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۳). آنان برای محاسبه کارایی و اثربخشی شرکت از تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) و برای محاسبه توانایی مدیریت از مدل زیر استفاده نموده‌اند که در بخش روش پژوهش بطور کامل تشریح گردیده‌است.

مدیران توانا نسبت به دیگران قادر به انجام قضاوت‌های صحیح‌تر و همچنین انجام پیش‌بینی‌هایی دقیق‌تر نسبت به سایرین هستند و در مورد شرکت و صنعتی که در آن فعالیت می‌کنند دانش بیشتری داشته و توانایی تجزیه تحلیل بهتر اطلاعات را، دارند. توانایی‌های مدیریت را می‌توان به‌عنوان بهره‌وری بیشتر نسبت به رقبا در به‌کارگیری منابع شرکت و خلق درآمدهای بیشتر تعریف نمود. آنان توانایی و آگاهی بیشتری در ارتباط با مشتریان و درک شرایط کلان اقتصادی دارند و قادر به درک بهتر استانداردهای پیچیده و اجرای آن به درستی بوده و با آگاهی بهتر از فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری می‌توانند باعث کسب بازده بیشتر و افزایش ثروت سهامداران گردند (خانی و رجب‌دوری، ۱۳۹۷). انتصاب مدیران عامل دارای تجربه و دانش مالی، در شرکت‌ها ریسک حسابرسی را کاهش و کیفیت حسابرسی را افزایش داده و ارتباط بین شرکت و حسابرس را بهبود می‌بخشد. آنان گزینه مناسبی برای رهبری مالی و تدوین استراتژی‌های بنگاه‌های اقتصادی هستند. آنان احتمالاً باعث کاهش ارائه صورت‌های مالی گمراه‌کننده و همچنین کاهش سطح اقلام تعهدی اختیاری می‌گردند. به این دلیل تقاضا برای استفاده از خدمات مدیران عامل با تجربه حسابداری و مدیران مالی در هیات مدیره شرکت‌ها رو به افزایش است. افزایش دانش مالی مدیران عامل منجر به ارتباط مؤثر با حسابرس، بهبود کیفیت حسابرسی و نهایتاً بهبود محتوای اطلاعات حسابداری و اطمینان بخشی بیشتر می‌گردد (یو و همکاران<sup>۴۴</sup>، ۲۰۲۰).

**پیشینه پژوهش‌های انجام شده به شرح زیر است:**

رضایی و همکاران<sup>۴۵</sup> (۲۰۲۱) در تحقیقی با عنوان "آیا تجربه و دانش مالی مدیران عامل

دارای همبستگی با تجدید ارائه صورت‌های مالی است؟" این‌گونه نتیجه‌گیری نمودند: به-کارگیری مدیران عامل که در زمینه امور مالی با کیفیت گزارشگری مالی دارای همبستگی مثبت و با تجدید ارائه صورت‌های مالی دارای همبستگی منفی و معنی‌دار است.

نتایج تحقیق الوقال و همکاران<sup>۴۶</sup> (۲۰۲۱) با عنوان "تأثیر هیأت مدیره و مدیرعامل بر کیفیت حسابرسی" نشان داد که بین دوران تصدی مدیرعامل با کیفیت حسابرسی رابطه منفی وجود دارد، اما این رابطه معنی‌دار نیست و مدیرعامل تأثیر منفی بر کیفیت حسابرسی دارند.

یافته‌های پژوهش ینگ و هی<sup>۴۷</sup> (۲۰۲۰) با موضوع «آیا تحصیلات مدیران عامل در رشته‌های مالی و حسابداری ارزش آفرین است؟» نشان داد که، مدیران عامل دارای مدارک دانشگاهی در رشته‌های مرتبط با امور مالی می‌توانند نقشی حرفه‌ای در تصمیم‌گیری و بهبود عملکرد بخش امور مالی و حسابداری ایفاء نمایند. تأثیر مثبت و معنی‌دار حاصل از تجارب و آموزش‌های آکادمیک مدیران عامل، در رشته‌های مالی و حسابداری بر عملکرد آنان در شرکت‌های بزرگ غیردولتی قابل توجه است. همچنین آنان، باعث بهبود عملکرد مالی و ترویج هم‌افزایی در حسابداری می‌گردند. این پژوهش از منظر مالی-اقتصادی، شواهدی تجربی از تأثیرات مدارک آکادمیک مدیران عامل در رشته مالی و حسابداری را بر ارزش آفرینی و عملکرد آنان در شرکت‌ها نشان می‌دهد. آنان نقش مهمی را در تصمیم‌گیری و تسریع در فرآیند جذب و ادغام شرکت‌ها ایفا می‌کنند. آنان تأثیری مثبتی در این زمینه داشته و از توانایی و صلاحیت حرفه‌ای بیشتری برای کمک به شرکت‌ها در این خصوص برخوردار هستند.

گونوپولوس و فام (۲۰۱۸) در تحقیق خود که با عنوان «تأثیر دانش مالی مدیران عامل بر مدیریت سود در هنگام عرضه اولیه سهام» انجام گردید این‌گونه نتیجه‌گیری نموده‌اند که احتمالاً مدیران عامل شرکت‌هایی که دارای دانش مالی هستند و شرکت‌های آنان جدیداً به عضویت بورس اوراق بهادار درآمده است، نسبت به مدیرانی که در این زمینه از دانش و تجربه لازم برخوردار نیستند، کمتر به استفاده از مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی و یا مدیریت واقعی سود اقدام می‌نمایند. همچنین دانش مالی مدیران عامل دارای همبستگی منفی با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در هنگام عرضه اولیه سهام هستند و آنان بیشتر از دانش و تجربیات مدیران مالی در اداره امور شرکت استفاده می‌کنند.

گول و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی «توانایی مدیریت، بحران مالی و حق‌الزحمه

حسابرس» پرداختند و این‌گونه عنوان نمودند که: توانایی مدیریت بالا تأثیر مطلوبی بر سیاست‌های بنگاه اقتصادی و پیامدهای حاصل از گزارشگری مالی دارد. همچنین پژوهش دمرجیان و همکاران<sup>۴۸</sup> (۲۰۱۳)، گی و همکاران<sup>۴۹</sup> (۲۰۱۱)، بمبر و همکاران (۲۰۱۰) و دیرینگ و همکاران<sup>۵۰</sup> (۲۰۱۰) نشان داد که همبستگی مثبتی بین توانایی مدیریت و افزایش کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد. کریشنان و وانگ<sup>۵۱</sup> (۲۰۱۵) به این نتایج دست یافتند با افزایش توانایی مدیریت، ریسک و هزینه خدمات حسابرسی کاهش و کیفیت و محتوای- گزارشگری مالی افزایش خواهد یافت.

یافته‌های پژوهش دمرجیان و همکاران (۲۰۱۷) با عنوان «چگونگی انجام مدیریت سود با استفاده از توانایی مدیریت» پژوهش نشان داد که به احتمال زیاد مدیران با توانایی بالاتر، به صورت عمدی با استفاده مدیریت سود به هموارسازی سود مبادرت می‌ورزند. همچنین آنان توجه بیشتری به هموارسازی سود داشته و اینکار را با استفاده بهبود در فرآیند عملکرد عملیات شرکت درآینده انجام می‌دهند. هنگامی که رویه هموارسازی سود به این شیوه در شرکت مرسوم می‌گردد هم به نفع سهامداران و هم به نفع مدیریت می‌باشد.

بهمنش و همکاران (۱۳۹۹) با انجام پژوهشی با نام «بررسی رابطه بین دانش مالی مدیرعامل و سیاست‌های مالی در شرکت‌های بورسی» به این نتایج دست یافتند که بین دانش مالی مدیرعامل و سیاست پرداخت سود رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. به بیان دیگر، تقسیم سود در شرکت‌هایی که مدیران عامل آنها از دانش مالی بهره می‌برند، کمتر است. دیگر یافته‌ها نشان داد که رابطه بین دانش مالی مدیرعامل و نگهداشت وجه نقد مثبت و معنی‌داری بوده و آنان وجه نقد بیشتری نگهداری می‌نمایند، بین دانش مالی مدیرعامل و اهرم مالی رابطه منفی وجود دارد اما معنی‌داری نیست.

طاهری عابد و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با نام «توانایی، دانش مالی مدیران عامل و شفافیت گزارشگری مالی» اینگونه نتیجه‌گیری نمودند که: ویژگی‌های فردی مدیران عامل مانند تحصیلات، تجارب قبلی، دانش مالی و توانایی آنان بر رفتار و نوع تصمیم‌گیری آنان را در بنگاه اقتصادی موثر بوده و باعث می‌گردد تا شفافیت و کیفیت گزارشگری مالی تحت تأثیر آن قرار بگیرد. از سویی دیگر توانایی مدیران عامل نیز دارای تاثیر مثبت بر شفافیت گزارشگری مالی می‌باشد، اما این در این پژوهش این تأثیر معنی‌داری نگردید. دیگر نتایج بیانگر آن بود که بین

دانش‌مالی مدیران عامل و شفافیت گزارشگری مالی ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. در پایان، یافته‌های پژوهش نشان داد که توانایی و دانش‌مالی مدیران عامل به صورت همزمان دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر شفافیت گزارشگری مالی می‌باشد.

لاری دشت بیاض و اورادی (۱۳۹۶) با انجام تحقیقی تحت عنوان «بررسی رابطه بین دوره تصدی و دانش مالی مدیرعامل با حق‌الزحمه حسابرسی» به این یافته‌ها رسیدند که: بین دانش‌مالی مدیرعامل و هزینه خدمات حسابرسی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد و واحدهای اقتصادی که مدیران عامل آن‌ها از تخصص و دانش مالی لازم برخوردار هستند، نسبت به سایر بنگاهها، هزینه انجام خدمات حسابرسی کمتری را متحمل می‌گردند. همچنین تأثیر هم‌زمان دانش‌مالی مدیران عامل و دوره تصدی آنان بر هزینه انجام خدمات حسابرسی منفی و معنی‌دار است و دانش مالی مدیرعامل از عوامل مهم برای حسابرسان در ارزیابی خطر حسابرسی است.

حسینی القار و سدیدی (۱۳۹۶) پژوهشی را با نام «بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های بوری» انجام داده و در مورد توانایی مدیریت این‌گونه نتیجه‌گیری نمودند: توانایی مدیریت تأثیر منفی معنی‌داری بر هزینه انجام خدمات حسابرسی دارد و مدیرانی که از توانایی بالاتری برخوردار هستند هزینه حسابرسی کمتری را پرداخت می‌نمایند. همچنین اندازه مؤسسات حسابرسی رابطه بین توانایی مدیریت و هزینه خدمات حسابرسی را تضعیف می‌نماید. از سویی دیگر متغیرهایی همچون اهرم‌مالی، اندازه شرکت و نرخ بازده دارایی‌ها ارتباط معنی‌داری با هزینه خدمات حسابرسی دارند.

عزیزپور شیرسوار (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «ارتباط بین کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی» از یافته‌های پژوهش اینگونه نتیجه‌گیری نمودند که بین کیفیت خدمات حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. افزایش کیفیت حسابرسی نه تنها باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و حل مشکلات نمایندگی بین گروه‌های مختلف ذینفعان می‌گردد بلکه، باعث می‌گردد تا میزان اطمینان به کیفیت گزارشگری مالی نیز ارتقاء پیدا کند.

دیانتی دیلمی و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان تحقیقی تحت عنوان «اثر دوره تصدی مدیریت بر ارزش شرکت، هزینه‌های نمایندگی و ریسک اطلاعاتی» به این یافته‌ها دست یافتند: در

جهان امروز مدیریت نقش بسیار مهم و تعیین کننده‌ای در افزایش بهره‌وری سازمانی واحدهای اقتصادی بر عهده دارد. از بین چهار پارامتر کلیدی موفقیت سازمانی که شامل نیروی انسانی، سرمایه، مواد اولیه و مدیریت، امروزه جایگاه و نقش مدیریت بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته و مدیران در دستیابی به اهداف سازمانی نقش مهم و حیاتی را بر عهده دارند. دیگر یافته‌ها نشان داد که دوره تصدی مدیران عامل در بلندمدت می‌تواند ریسک اطلاعاتی و اقدام‌تعمهدی را کاهش داده و ارزش شرکت و کیفیت سود بنگاهها را افزایش دهد.

پژوهشگرانی همچون گوناپولوس و فام (۲۰۱۸)، طاهری عابد و همکاران (۱۳۹۷) و رضایی و همکاران (۲۰۲۱) به ترتیب به بررسی تأثیر دانش مالی مدیران عامل بر عواملی همچون مدیریت سود، شفافیت گزارشگری مالی و تجدید ارائه صورت‌های مالی پرداخته‌اند. ولی تاکنون پژوهشی در مورد تأثیر دانش مالی مدیران عامل و توانایی مدیریت بر کیفیت حسابرسی و همچنین تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه بین دانش مالی مدیران عامل و کیفیت حسابرسی انجام نگردیده و این مورد، از جنبه‌های نوآوری این پژوهش تلقی می‌گردد. با توجه به تئوری‌ها و پژوهش‌های ارائه شده در بخش مبانی نظری و پیشینه پژوهش، می‌توان اینگونه فرض نمود که تحصیلات، تجربیات گذشته و توانایی‌های مدیریت بر کیفیت عملکرد آنان در بنگاه تأثیرگذار هستند. بنابراین می‌توان بر اساس آن‌ها فرضیه‌های زیر را مطرح و مورد آزمون قرار داد.

### ۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به تئوری‌ها و پژوهش‌های ارائه شده در قسمت مقدمه، مبانی نظری و پیشینه پژوهش، سه فرضیه به شرح زیر مطرح و مورد سنجش قرار گرفته است:

فرضیه اول: دانش مالی مدیران عامل تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی دارد.

فرضیه دوم: توانایی مدیریت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی دارد.

فرضیه سوم: توانایی مدیریت رابطه بین دانش مالی مدیران عامل و کیفیت حسابرسی را تقویت می‌کند.

### ۴- روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات از نوع توصیفی

- همبستگی است. اطلاعات موردنیاز جهت مبانی نظری و پیشینه پژوهش با روش کتابخانه‌ای گردآوری گردیده‌است. بدین صورت که با مطالعه رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشگاهی، کتب و مقاله‌های داخلی و خارجی و همچنین از طریق مراجعه به سایت کدال و سازمان بورس اوراق بهادار، اطلاعات لازم گردآوری شده‌است. روش گردآوری داده‌های پژوهش، جستجو در اطلاعات مالی شرکت‌ها بوده که به آن اسنادکاوی گفته می‌شود. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز متغیرهای حجم نمونه از گزارش فعالیت هیات مدیره و صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های بورسی و از طریق سامانه اطلاع‌رسانی ناشران<sup>۵۲</sup> و به وسیله نرم افزارهای ره‌آورد نوین ۳ - گردآوری و در محیط نرم افزار اکسل ۲۰۱۳<sup>۵۳</sup> طبقه‌بندی گردیده است. سپس الگوهای پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای گمز<sup>۵۴</sup>، ایوبوز<sup>۵۵</sup> نسخه ۱۱ و استاتا<sup>۵۶</sup> نسخه ۱۶ تخمین زده شده است. جامعه‌آماری این پژوهش دربرگیرنده شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ به مدت ۹ سال و نمونه‌آماری به شیوه حذف سیستماتیک انتخاب شد. با توجه به همگن نبودن اطلاعات از نظر سال مالی و نامشخص بودن مرزبندی بین فعالیت‌های عملیاتی و تأمین مالی و ماهیت و طبقه‌بندی متفاوت اقلام صورت‌های مالی برخی از بنگاه‌های اقتصادی غیرتولیدی از جامعه آماری حذف شده‌اند. دیگر دلیل عدم انتخاب شرکت‌های غیرتولیدی این است که محیط قانونی عناصر تشکیل‌دهنده صورت‌های مالی، استانداردهای حسابداری و نسبت‌های مالی این بنگاه‌ها با شرکت‌های تولیدی متفاوت می‌باشد و نسبت‌های مالی متفاوت و غیرهمگن را به وجود می‌آورد که می‌تواند منجر به ایجاد نسبت‌های غیرهمگن در پژوهش گردد و احتمالاً بر نتایج پژوهش تأثیرات نامطلوبی بگذارد. با توجه به شرایط نمونه‌گیری تعداد ۱۳۲۳ سال‌شرکت به عنوان حجم نمونه انتخاب گردیده‌است. فرضیه اول پژوهش تأثیر دانش مالی مدیران عامل بر کیفیت حسابرسی را مورد آزمون و بررسی قرار می‌دهد. جهت آزمون این فرضیه از مدل (۱) و مبانی پژوهش گوناپولوس و فام (۲۰۱۸) و مدل چی لین و همکاران<sup>۵۷</sup> (۲۰۱۶) و به شرح زیر استفاده شده است:

*Audit Quality*<sub>*i,t*</sub>

$$\begin{aligned}
 &= \beta_0 + \beta_1 \text{Financial exp CEO}_{i,t} + \beta_2 \text{Log}(\text{age})_{i,t} \\
 &+ \beta_3 \text{Log}(\text{assets})_{i,t} + \beta_4 \text{Audit Size}_{i,t} + \beta_5 \text{Leverage}_{i,t} \\
 &+ \beta_6 \text{ROA}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}
 \end{aligned}$$

مدل (۱)



فرضیه دوم پژوهش به بررسی توانایی مدیریت بر کیفیت حسابرسی می‌پردازد. به منظور آزمون این فرضیه به ترتیب از مدل (۲) و مبانی پژوهش دمرجیان (۲۰۱۲) و مدل چی لین و همکاران (۲۰۱۶) به شرح زیر استفاده گردیده است:

$$\begin{aligned} \text{Audit Quality}_{i,t} &= \beta_0 + \beta_1 \text{Managerial Ability}_{i,t} + \beta_2 \text{Log}(\text{age})_{i,t} \\ &+ \beta_3 \text{Log}(\text{assets})_{i,t} + \beta_4 \text{Audit Size}_{i,t} + \beta_5 \text{Leverage}_{i,t} \\ &+ \beta_6 \text{ROA}_i + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad \text{مدل (۲)}$$

فرضیه سوم پژوهش این موضوع را آزمون می‌نماید که آیا توانایی مدیریت رابطه بین دانش مالی مدیران عامل و کیفیت حسابرسی را تقویت می‌کند. جهت آزمون این فرضیه مدل (۳) برازش شده که در آن از مبانی پژوهش گوناپولوس و فام (۲۰۱۸)، مدل چی لین و همکاران (۲۰۱۶) و دمرجیان (۲۰۱۲) است:

$$\begin{aligned} \text{Audit Quality}_{i,t} &= \beta_0 + \beta_1 \text{Financial exp CEO}_{i,t} \\ &+ \beta_2 \text{Managerial Ability}_{i,t} + \beta_3 (\text{F.E.CEO}_{i,t} * \text{M.A.}_{i,t})_{i,t} \\ &+ \beta_4 \text{Log}(\text{age})_{i,t} + \beta_5 \text{Log}(\text{assets})_{i,t} + \beta_6 \text{Audit Size}_{i,t} \\ &+ \beta_7 \text{Leverage}_{i,t} + \beta_8 \text{ROA}_i + \varepsilon_{i,t} \end{aligned} \quad \text{مدل (۳)}$$

*Audit Quality*: بیانگر کیفیت حسابرسی است این متغیر در مدل نقش متغیر وابسته را ایفاء می‌کند که براساس مدل چی لین و همکاران (۲۰۱۶) مورد سنجش قرار گرفته است. حق الزحمه غیرعادی حسابرسی از معیارهای ورودی کیفیت حسابرسی است که از قدر مطلق باقیمانده مدل شماره (۴) و به صورت مقطعی برازش گردیده است. *Financial exp CEO*: متغیری مجازی دانش مالی مدیر عامل است این متغیر در مدل نقش متغیر مستقل را ایفاء می‌کند. که در صورتی که مدرک تحصیلی مدیرعامل در رشته حسابداری، حسابرسی، مالی، و یا مرتبط با آن باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته خواهد بود. این متغیر بر اساس مفاهیم نظری و مدل پژوهش گوناپولوس و فام (۲۰۱۸) مورد سنجش قرار گرفته است. *Managerial Ability*: به معنای توانایی مدیریت است این متغیر در مدل (۲) نقش متغیر مستقل و در مدل (۳) نقش متغیر تعدیل گر را ایفاء می‌نماید که بر اساس

پژوهش دمرجیان (۲۰۱۳) و با استفاده از مدل شماره ۵ مورد سنجش قرار گرفته‌است. سایر متغیرهای مدل نقش متغیر کنترل را بر عهده دارند که عبارتند از:  $F \text{ Log}(age)$ : لگاریتم سن شرکت از زمان شروع فعالیت است.  $\text{Log}(assets)$ : این متغیر بیانگر لگاریتم ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت بوده است.  $Audit \text{ Size}$ : اندازه موسسه حسابرسی، یک متغیر مجازی است. چنانچه واحد اقتصادی به وسیله سازمان حسابرسی کشور به عنوان بزرگترین موسسه حسابرسی دولتی مورد انجام حسابرسی قرار گرفته باشد برای آن عدد یک در غیر این صورت برای آن عدد صفر اختصاص داده می‌شود.  $Leverage$ : اهرم مالی واحد اقتصادی است که از تقسیم نمودن جمع بدهی‌های جاری و غیر جاری بر کل دارایی‌های جاری و غیر جاری شرکت به دست می‌آید.  $ROA$ : معیاری برای محاسبه نرخ بازده دارایی‌ها است که از تقسیم سود خالص بر کل دارایی‌های شرکت حاصل می‌گردد.  $\varepsilon$ : بیانگر خطای مدل است.

در این پژوهش برای سنجش کیفیت حسابرسی از معیار حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی و از مدل چی لین و همکاران (۲۰۱۶) استفاده گردیده‌است. حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی یکی از معیارهای ورودی جهت سنجش کیفیت حسابرسی است که در فرضیه اول، دوم و سوم متغیر وابسته پژوهش کیفیت انجام خدمات حسابرسی با رویکرد حق‌الزحمه غیرعادی است که مطابق با پژوهش بنی مهد و همکاران (۱۳۹۷) به صورت مقطعی برازش و قدر مطلق باقیمانده مدل در منفی یک ضرب و به عنوان کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شده‌است.

$\text{Log Audit Fee}_{i,t}$

$$\begin{aligned} &= \beta_0 + \beta_1 LTA_{i,t} + \beta_2 CR_{i,t} + \beta_3 AR\_INV_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} \\ &+ \beta_5 LOSS_{i,t} + \beta_6 LOSSLAG_{i,t} + \beta_7 FOREIGN_{i,t} + \beta_8 LEV_{i,t} \\ &+ \beta_9 INTNG\_TA_{i,t} + \beta_{10} OPENION_{i,t} + \beta_{11} AUDIT \text{ SIZE}_{i,t} \\ &+ \beta_{12} B\_M_{i,t} + \beta_{13} RESTATE_{i,t} + \beta_{14} ISSUE_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

مدل (۴)

$\text{Log Audit Fee}$ : این متغیر بیانگر لگاریتم طبیعی هزینه یا حق‌الزحمه پرداختی بابت حسابرسی است که در مدل بالا نقش متغیر وابسته را ایفاء می‌کند. سایر متغیرهای مدل نقش کنترل را در مدل ایفاء می‌نمایند و هدف برازش مقدار خطا جهت محاسبه کیفیت حسابرسی است.  $LTA$ : بیانگر لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت است.  $CR$ : نسبت جاری شرکت است که از تقسیم دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری مورد محاسبه قرار می‌گیرد.  $AR\_INV$ :

این نسبت از محاسبه مجموع حساب‌ها و اسناد دریافتنی تجاری و موجودی مواد و کالا به مجموع دارایی‌های شرکت به دست می‌آید  $ROA$ : این متغیر از تقسیم سود خالص به کل دارایی‌های شرکت حاصل می‌گردد.  $LOSS$ : متغیری مجازی و بیانگر زیان سال جاری است و چنانچه واحد اقتصادی در سال جاری با زیان مواجه شده باشد به آن عدد یک و در غیر این صورت به آن عدد صفر اختصاص داده می‌شود  $LOSSLAG$ : متغیری مجازی و نشان دهنده زیان سال گذشته است؛ چنانچه واحد تجاری در سال گذشته با زیان مواجه شده باشد به آن عدد یک و در غیر این صورت به آن عدد صفر اختصاص داده می‌شود.  $FOREIGN$ : بیانگر یک متغیر مجازی و نشان دهنده وجود فروش خارجی شرکت یا صادرات در سال جاری است در صورتی که واحد تجاری در سال جاری صادرات داشته باشد به آن عدد یک و در غیر این صورت به آن ارزش صفر اختصاص داده می‌شود.  $LEV$ : نشان دهنده نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌های واحد تجاری یا اهرم مالی شرکت می‌باشد.  $INTNG\_TA$ : این نسبت دارایی‌های ثابت نامشهود به مجموع دارایی‌های بنگاه را نشان می‌دهد.  $OPENION$ : متغیر مجازی است که نشان از نوع اظهارنظر حسابرسان است چنانچه اظهارنظر حسابرسان نسبت به صورت‌های مالی در سال جاری مقبول یا مطلوب باشد، مقدار آن برابر یک و در غیر این صورت به آن ارزش صفر اختصاص داده می‌شود.  $AUDIT SIZE$ : متغیر مجازی و بیانگر اندازه موسسه حسابرسی است. چنانچه واحد اقتصادی توسط سازمان حسابرسی به عنوان بزرگترین موسسه حسابرسی دولتی در کشور مورد رسیدگی قرار گرفته باشد به آن عدد یک اختصاص گرفته و در غیر این صورت به آن عدد صفر اختصاص داده می‌شود.  $B\_M$ : نسبت ارزش دفتری<sup>۵۸</sup> ( $BV$ ) به ارزش بازار<sup>۵۹</sup> ( $MV$ ) سهام شرکت است.  $RESTATE$ : متغیر مجازی است در صورتی که شرکت در سال جاری با تجدید ارائه صورت‌های مالی مواجه شده باشد به آن عدد یک و در غیر این صورت به آن عدد صفر اختصاص داده می‌شود.  $ISSUE$ : متغیر مجازی است که در صورت تأمین مالی شرکت از طریق صدور سهام و تسهیلات بانکی یا انتشار اوراق بدهی در سال جاری ارزش این متغیر برابر یک و در غیر این صورت به آن عدد صفر اختصاص داده می‌شود.  $\epsilon$ : باقیمانده مدل می‌باشد و بیانگر حق‌الزحمه یا هزینه خدمات حسابرسی غیر-نرمال یا غیر عادی مثبت و منفی است. این اعداد نشان دهنده پرداخت هزینه خدمات حسابرسی غیرعادی بیشتر از نرخ عادی و مقادیر منفی باقی مانده‌ها بیانگر هزینه خدمات

حسابرسی غیرعادی کمتر از نرخ عادی است. چنانچه از مقادیر خطای حاصل شده قدر مطلق گرفته شود، نتایج بدون توجه به مقادیر مثبت و منفی نشان دهنده حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی است. چنانچه قدر مطلق به دست‌آمده در منهای یک ضرب گردد مقادیر به دست آمده بیانگر کیفیت حسابرسی است (بنی‌مهد و همکاران، ۱۳۹۷).

در این پژوهش برای محاسبه توانایی مدیریت<sup>۶۰</sup> از مدل دمرجیان (۲۰۱۳) استفاده گردیده‌است. برای محاسبه توانایی‌های مدیریت باید دوگام اساسی را طی نمود. گام اول محاسبه یا سنجش‌کارایی شرکت براساس تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) و گام دوم ابتدا محاسبه اثربخشی شرکت و نهایتاً محاسبه توانایی مدیریت با توجه به برازش باقیمانده مدل (۸) می‌باشد. برای محاسبه سنجش‌کارایی شرکت اساس مدل زیر مورد استفاده قرار گرفته و محاسبات آن به وسیله نرم افزار گمز<sup>۶۱</sup> مورد سنجش قرار گرفته‌است. تحلیل پوششی داده‌ها یک شیوه برنامه‌ریزی در ریاضی برای ارزیابی واحدهای تصمیم‌گیری<sup>۶۲</sup> یا شرکت‌های بورسی است، که هر یک از واحدهای تصمیم‌گیری، با مصرف  $m$  ورودی،  $s$  خروجی تولید می‌کنند. ورودی‌ها و خروجی‌ها باید مثبت باشند و هر شرکت باید حداقل یک ورودی و یک خروجی مثبت داشته باشد.

$$MAX \theta = \frac{Sales}{v1_{COGS} + v2_{SG\&A} + v3_{PPE} + v4_{INTAN} + v5_{GOODWILL}}$$

رابطه (۱)

$MAX \theta$ : نشان‌دهنده معیار کارایی یا بهره‌وری شرکت از منابع سازمانی است که با استفاده از تحلیل پوششی داده‌ها مورد سنجش قرار گرفته‌است.  $Sales$ : بیانگر کل درآمد یا فروش شرکت به‌عنوان متغیر یا معیار خروجی است.  $COGS$ : بیانگر بهای تمام شده کالای فروش رفته است.  $SG\&A$ : بیانگر مبلغ هزینه‌های عمومی، اداری و فروش در صورت‌های مالی است.  $PPE$ : اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات پس از کسر استهلاک (خالص دارایی‌های ثابت مشهود) است.  $INTAN$ : بیانگر دارایی‌های نامشهود است.  $GOODWILL$ : بیانگر سرقفلی مندرج در صورت‌های مالی است. خروجی شرکت، فروش کالا و خدمات می‌باشد و ورودی آن عبارت خواهند بود از: بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته، هزینه‌های عمومی، اداری و فروش، خالص دارایی‌های ثابت مشهود و سرقفلی. متغیرهای فوق نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد یا خلق

درآمد در شرکت‌ها ایفا می‌نمایند. گام اول تفکیک کارایی و اثربخشی شرکت، از کارایی و اثر بخشی مدیریت با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها<sup>۶۳</sup> است جهت انجام اینکار اطلاعات مندرج در رابطه شماره (۱) با استفاده از نرم افزار گمز مورد سنجش قرار گرفت و کارایی شرکت استخراج گردیده است. کارایی و اثربخشی عددی بین صفر تا یک می‌باشد □ و هر چقدر عدد بدست آمده در هر شرکت به عدد یک نزدیک‌تر باشد بیانگر کارایی و اثربخشی بهتر شرکت در استفاده از منابع سازمانی است و حاصل آن متغیر  $\theta \leq \text{MAX}$  خواهد بود. عدد به دست آمده برای متغیر یاد شده در مدل (۸) به عنوان متغیر کارایی شرکت<sup>۶۴</sup> ایفای نقش خواهد نمود تا توانایی‌های شرکت را از توانایی‌های ذاتی و اکتسابی مدیر متمایز نماید.

گام دوم: محاسبه سنجش توانایی مدیریت مطابق دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) می‌باشد که خطای مدل بیانگر توانایی مدیریت خواهد بود. به منظور کنترل اثر ویژه ذاتی شرکت در مدل، کارایی شرکت را به دو قسمت مجزا یعنی کارایی براساس ویژگی ذاتی واحد اقتصادی و توانایی مدیریت شرکت تقسیم نموده اند. آن‌ها این فرآیند را با استفاده از کنترل ویژگی‌های ذاتی بنگاه اقتصادی (همچون اندازه شرکت، میزان سهم از بازار، جریان وجه نقد آزاد، عمر شرکت در بورس، فروش خارجی یا صادرات) انجام داده‌اند. هر کدام از این متغیرها به‌عنوان ویژگی ذاتی بنگاه می‌توانند به مدیریت کمک کرده تا تصمیم‌های بهتری را برگزینند یا در جهت عکس عمل کرده و توانایی‌های مدیر را محدود نمایند. در مدل زیر این پنج ویژگی کنترل گردیده است.

$Firm\ Efficacy_{i,t}$

$$\begin{aligned} &= \alpha + \beta_1 \ln(Total\ Assets)_{i,t} + \beta_2 Market\ Share_{i,t} \\ &+ \beta_3 FCF\ Indicator_{i,t} + \beta_4 \ln(Age)_{i,t} \\ &+ \beta_6 Foreign\ Indicator_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

مدل (۵)

$Firm\ Efficacy_i$ : این متغیر بیانگر کارایی شرکت است که از محاسبات رابطه (۱) و سیله نرم افزار GAMS به دست آمده است. متغیرهایی که باید تأثیر آن‌ها در رگرسیون کنترل گردد و بیانگر توانایی‌های ذاتی شرکت هستند عبارت‌اند از:  
 $\ln(Total\ Assets)$ : این متغیر بیانگر لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت است.  
 $Market\ Share$ : سهم بازار فروش شرکت در صنعتی است که در آن فعالیت می‌کند.

*FCF Indicator*: شاخص وجه نقد آزاد است که با استفاده از رابطه (۲) مورد محاسبه قرار گرفته‌است.  $Ln(Age)$ : لگاریتم طبیعی سن شرکت از زمان شروع فعالیت شرکت می‌باشد. *Foreign Indicator*: شاخص فروش خارج از کشور یا صادرات است.  $\varepsilon$ : خطای مدل بیانگر میزان توانایی مدیریت را نشان می‌دهد که به عنوان متغیر مستقل در فرضیه دوم و به عنوان متغیر تعدیل‌گر در فرضیه سوم مورد استفاده قرار گرفته است.

$$FCF_{i,t} = \frac{(OEBDA_{i,t} - Tax Payable_{i,t} - Intrest Expensive Payable_{i,t} - Dividen Profit Payable_{i,t})}{Total Assets_{i,t}}$$

رابطه (۲)

*FCF*: جریان نقد آزاد است. *OEBDA*: سود عملیاتی قبل از کسر استهلاک می‌باشد. *Tax Payable*: مالیات پرداختنی است. *Intrest Expensive Payable*: مبالغ هزینه بهره یا سود پرداختی بابت تسهیلات مالی است. *Dividen Profit Payable*: سود قابل تقسیم (پرداختنی) بوده و *Total Assets*: جمع کل دارایی‌ها است.

## ۵- یافته‌های پژوهش

یافته‌های آمار توصیفی متغیرهای این پژوهش که دربرگیرنده میانگین، حداقل، حداکثر، انحراف معیار، کشیدگی و چولگی می‌باشد در جدول (۱) ارائه گردیده‌است. نتایج نشان می‌دهد که میانگین دانش‌مالی مدیران عامل ۵۱۴/۰ بوده و به این معنا که حدود ۵۱ درصد از مدیران-عامل شرکت‌های حجم نمونه دارای دانش‌مالی بوده‌اند. حداقل، حداکثر و انحراف معیار این متغیر به ترتیب عدد صفر، یک و ۰/۵ بوده است، همچنین حداقل و حداکثر متغیر توانایی مدیریت ۰/۴۵- و ۰/۴۲۸+ بوده و میانگین این متغیر نیز عدد ۰/۰۱- را نشان می‌دهد. میانگین اهرم مالی ۰/۵۶۵ بوده که بیانگر آن است که حدود ۵۷ درصد دارایی‌ها از محل بدهی‌ها تامین مالی گردیده است. همچنین حداقل و حداکثر اهرم مالی شرکت بین ۰/۲ تا ۰/۸۹ بوده است. بزرگ‌ترین انحراف معیار متعلق به متغیر لگاریتم دارایی‌ها با عدد ۰/۵۷۵ و کوچک‌ترین انحراف معیار مربوط به متغیر نرخ بازده دارایی‌ها با عدد ۰/۱۲۰ بوده‌است. با اینکه چولگی و کشیدگی بیانگر آن است که توزیع مشاهدات نرمال نیست ولی به دلیل انجام ویرایش

مشاهدات پرت توسط نرم افزار ایویوز یا وینزورایزینگ<sup>۶۵</sup> و استفاده از حجم بالای مشاهدات، چولگی و کشیدگی نتایج پژوهش را مخدوش نمی‌کند.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیرها	نماد	میانگین	حداقل	حداکثر	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی
کیفیت حسابرسی	<i>Audit Quality</i>	۰/۱۷۶	-۰/۴۴۱	-۰/۰۱۳	۰/۱۲۴	۲/۳۹۰	۰/۶۰۲
دانش مالی مدیران عامل	<i>Financial exp CEO</i>	۰/۵۱۴	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۵۰۰	۱/۰۰۳	-۰/۰۵۵
توانایی مدیریت	<i>Managerial Ability</i>	-۰/۰۰۱	-۰/۴۵۰	۰/۴۲۸	۰/۲۶۰	۲/۰۱۵	۰/۰۰۳
لگاریتم سن	<i>Log(age)</i>	۱/۵۷۳	۱/۲۵۵	۱/۷۷۰	۰/۱۵۳	۲/۱۰۶	-۰/۵۱۳
لگاریتم دارایی‌ها	<i>Log(assets)</i>	۶/۱۷۸	۵/۲۲۹	۷/۴۶۷	۰/۵۷۵	۲/۷۹۱	۰/۵۲۰
اندازه حسابر	<i>Audit Size</i>	۰/۰۱۷	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۱۲۸	۵۸/۱۵۳	۷/۵۶۰
اهرم مالی	<i>Leverage</i>	۰/۵۶۵	۰/۲۰۰	۰/۸۹۰	۰/۱۹۳	۲/۱۷۱	-۰/۱۹۳
نرخ بازده دارایی‌ها	<i>ROA</i>	۰/۱۲۲	-۰/۰۷۲	۰/۳۷۹	۰/۱۲۰	۲/۵۴۲	۰/۵۰۵

پیش از ارائه نتایج مربوط به برازش الگوی پژوهش برای تعیین نوع داده‌ها آزمون F لیمر وهاسمن انجام شده‌است. همچنین جهت اطمینان از برقراری فروض کلاسیک رگرسیون، ناهمسانی واریانس با استفاده از آزمون نسبت راست‌نمایی (LR)، آزمون هم خطی با استفاده از عامل تورم واریانس<sup>۶۶</sup> (VIF) و آزمون دوربین واتسون برای اطمینان از عدم وجود خودهمبستگی<sup>۶۷</sup> انجام شد. نتایج آزمون عامل تورم واریانس نشان‌دهنده عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای پژوهش بوده‌است. یافته‌های حاصل از آزمون نسبت راست‌نمایی خطای

ناهمسانی واریانس را نشان داد، برای رفع این خطا، الگوهای رگرسیونی پژوهش به روش حداقل مربعات تعمیم یافته<sup>۶۸</sup>، تخمین زده شد و بدین ترتیب از الگوها به لحاظ ناهمسانی واریانس رفع ایراد گردیده‌است. مقدار آماره عامل تورم واریانس نیز بیانگر عدم وجود هم‌خطی در بین متغیرهای پژوهش بوده‌است. آماره دوربین واتسون نیز کمتر از عدد ۴ و بیانگر عدم وجود خود همبستگی در بین باقی‌مانده‌ها رگرسیون است. در جدول (۲) همبستگی متغیرهای پژوهش و در جدول (۳) نتایج آزمون اف لیمر وهاسمن ارائه گردیده‌است.

جدول ۲: همبستگی متغیرهای پژوهش

همبستگی	کیفیت حسابرسی	دانش مالی مدیر عامل	توانایی مدیریت	لگاریتم سن شرکت	لگاریتم دارایی‌ها	اندازه حسابرس	اهرم مالی	نرخ بازده دارایی‌ها
کیفیت حسابرسی	۱/۰۰۰							
دانش مالی مدیر عامل	-۰/۰۴۶	۱/۰۰۰						
توانایی مدیریت	۰/۰۳۹	-۰/۰۳۳	۱/۰۰۰					
لگاریتم سن شرکت	-۰/۰۳۳	۰/۱۱۰	-۰/۰۰۱	۱/۰۰۰				
لگاریتم دارایی‌ها	-۰/۰۴۳	۰/۰۰۴	۰/۰۱۱	۰/۰۴۷	۱/۰۰۰			
اندازه حسابرس	۰/۰۳۳	۰/۰۲۰	-۰/۰۵۸	۰/۰۴۱	۰/۱۳۷	۱/۰۰۰		
اهرم مالی	۰/۰۲۰	-۰/۰۳۲	۰/۰۷۱	-۰/۰۴۲	-۰/۰۲۸	-۰/۰۳۴	۱/۰۰۰	
نرخ بازده دارایی‌ها	-۰/۰۲۰	-۰/۰۱۷	۰/۰۸۷	۰/۰۱۳	۰/۱۸۹	۰/۰۶۴	-۰/۵۸۸	۱/۰۰۰

جدول ۳: آزمون اف لیمر وهاسمن جهت فرضیه‌های پژوهش

نتیجه	سطح معناداری	آماره	آزمون	فرضیه
آثار غیر مقید - داده‌های تابلویی	۰/۰۰۰	۵/۵۴۴	F لیمر	فرضیه اول
آثار ثابت	۰/۰۰۴	۱۹/۲۳۹	هاسمن	فرضیه اول
آثار غیر مقید - داده‌های تابلویی	۰/۰۰۰	۴/۰۸۰	F لیمر	فرضیه دوم
آثار ثابت	۰/۰۴۰	۱۳/۱۵۳	هاسمن	فرضیه دوم



فرضیه	آزمون	آماره	سطح معناداری	نتیجه
فرضیه سوم	F لیمر	۱۰/۷۴۱	۰/۰۰۰	آثار غیر مقید - داده‌های تابلویی
فرضیه سوم	هاسمن	۵/۴۰۶	۰/۰۰۰	آثار ثابت

فرضیه اول پژوهش مبنی بر بررسی تأثیر دانش مالی مدیران عامل بر کیفیت حسابرسی، با استفاده از برازش مدل (۴) مورد آزمون قرار گرفته و نتایج آن در جدول شماره (۴) نشان داده شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

$Audit\ Quality_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Financial\ exp\ CEO_{i,t} + \beta_2 Log(age)_{i,t} + \beta_3 Log(assets)_{i,t} + \beta_4 Audit\ Size_{i,t} + \beta_5 Leverage_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
نام متغیرها	نماد	ضرایب	آماره t	سطح معنی داری	عامل تورم واریانس
دانش مالی مدیران عامل	<i>Financial exp CEO</i>	۰/۰۲۰	۳/۰۶۷	۰/۰۰۲	۱/۰۱۸
لگاریتم سن شرکت	<i>Log(age)</i>	۰/۰۳۰	۰/۳۲۶	۰/۷۴۴	۱/۰۲۳
لگاریتم دارایی‌ها	<i>Log(assets)</i>	-۰/۰۶۱	-۴/۴۱۳	۰/۰۰۰	۱/۰۶۰
اندازه حسابرسی	<i>Audit Size</i>	۰/۰۱۵	۰/۷۸۰	۰/۴۳۶	۱/۰۲۴
اهرم مالی	<i>Leverage</i>	۰/۰۲۰	۰/۹۲۶	۰/۳۵۴	۱/۵۵۷
نرخ بازده دارایی‌ها	<i>ROA</i>	۰/۰۱۶	۰/۶۳۴	۰/۵۲۶	۱/۶۰۴
عرض از مبدا	<i>C</i>	۰/۱۲۰	۱/۲۵۹	۰/۲۰۸	NA
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۵۱	دوربین و اتسون	۱/۸۲۴		
آماره F	۱۱/۶۷۵	احتمال آماره F	۰/۰۰۰		
آماره نسبت راست نمایی LR	۴۱۹/۲۴	احتمال آماره LR	۰/۰۰۰		

با توجه به جدول شماره (۴) ضریب متغیر دانش مالی مدیران عامل در تخمین نهایی مثبت و برابر با عدد ۰/۰۲۰، آماره  $t$  متغیر مذکور برابر با عدد ۳/۰۶۷ و سطح معنی‌داری آن برابر با ۰/۰۰۲ بوده است. این بدین معنا است که با افزایش دانش مالی مدیران عامل، کیفیت حسابرسی افزایش و میزان حق الزحمه غیرعادی حسابرسی کاهش می‌یابد. در نتیجه دانش مالی مدیران عامل تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی داشته که مطابق با مبانی نظری می‌باشد، بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می‌گردد. در این مدل آماره  $F$  برابر صفر بوده و بیانگر معنی‌داری مدل است. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده برابر با عدد ۰/۵۵۱ بوده که بیانگر آن است که حدود ۵۵٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی، تبیین شده است.

فرضیه دوم مبنی بر این است که توانایی مدیریت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی دارد. برای آزمون این فرضیه از مدل (۵) استفاده شده و نتایج آن در جدول شماره (۵) بیان گردیده است.

#### جدول ۵: نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

$Audit\ Quality_{i,t}$ $= \beta_0 + \beta_1 Managerial\ Ability_{i,t} + \beta_2 Log(age)_{i,t}$ $+ \beta_3 Log(assets)_{i,t} + \beta_4 Audit\ Size_{i,t} + \beta_5 Leverage_{i,t} +$ $+ \beta_6 ROA_i + \varepsilon_{i,t}$					
نام متغیرها	نماد	ضرایب	آماره $t$	سطح معنی‌داری	عامل تورم واریانس
توانایی مدیریت	<i>Managerial Abt</i>	۰/۰۲۲	۲/۲۳۶	۰/۰۱۸	۱/۰۳۶
لگاریتم سن شرکت	<i>Log(age)</i>	۰/۰۱۹	۰/۶۲۳	۰/۵۲۳	۱/۰۰۷
لگاریتم دارایی‌ها	<i>Log(assets)</i>	-۰/۰۲۵	-۴/۱۰۳	۰/۰۰۰	۱/۰۶۱
اندازه حسابرسی	<i>Audit Size</i>	۰/۲۲۸	۱/۸۳۶	۰/۰۶۶	۱/۰۲۸
اهرم مالی	<i>Leverage</i>	۰/۰۰۴	۰/۲۳۰	۰/۸۱۸	۱/۵۸۸
نرخ بازده دارایی‌ها	<i>ROA</i>	-۰/۰۲۶	-۰/۹۶۱	۰/۳۳۷	۱/۶۴۹
عرض از مبداء	<i>C</i>	-۰/۰۵۲	-۰/۷۵۶	۰/۴۵۰	NA
ضریب تعیین تعدیل	۰/۳۸۰	دوربین واتسون	۱/۸۳۵		

نام متغیرها	نماد	ضرایب	آماره t	سطح معنی داری	عامل تورم واریانس
شده					
آماره F	۶/۳۱۸	احتمال آماره F		۰/۰۰۰	
آماره نسبت درست نمایی LR	۴۱۷/۶۵	احتمال آماره LR		۰/۰۰۰	

ضریب متغیر توانایی مدیریت، آماره t و سطح معنی داری آن به ترتیب برابر با ۰/۰۲۲، ۲/۲۳۶ و ۰/۰۱۸ بوده است. این نتایج بیانگر این است که توانایی مدیریت دارای تأثیر مثبت و معنی داری بر کیفیت حسابرسی است و با افزایش توانایی مدیریت حق الزحمه غیر عادی حسابرسی کاهش و کیفیت حسابرسی افزایش می یابد. که با فرضیه پژوهش، همخوانی داشته و در نتیجه فرضیه دوم پژوهش تایید می گردد. مقدار آماره F رگرسیون برابر با عدد ۶/۳۱۸ معنی داری آن برابر صفر می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با عدد ۰/۳۸۰ می باشد و بیانگر آن است که ۳۸٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی تبیین گردیده است.

فرضیه سوم: براساس این فرضیه، توانایی مدیریت رابطه بین دانش مالی مدیران عامل و کیفیت حسابرسی را تقویت می کند. برای آزمون این فرضیه از مدل (۶) استفاده شده و نتایج برازش این مدل در جدول شماره (۶) منعکس گردیده است.

جدول ۶: نتایج آزمون فرضیه سوم

$Audit\ Quality_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Financial\ exp\ CEO_{i,t} + \beta_2 Managerial\ Ability_{i,t} + \beta_3 (F.E\ CEO_i * M.A_i)_{i,t} + \beta_4 Log(age)_{i,t} + \beta_5 Log(assets)_{i,t} + \beta_6 Audit\ Size_{i,t} + \beta_7 Leverage_{i,t} + \beta_8 ROA_i + \varepsilon_{i,t}$					
متغیرها	نماد	ضرایب	آماره t	سطح معنی داری	عامل تورم واریانس
دانش مالی مدیران عامل	Financial exp CE	۰/۰۱۹	۲/۸۴۳	۰/۰۰۵	۱/۹۹۹

متغیرها	نماد	ضرایب	آماره t	سطح معنی داری	عامل تورم واریانس
توانایی مدیریت	<i>Managerial Abili</i>	۰/۰۰۱	۰/۰۵۶	۰/۹۵۶	۱/۰۱۶
دانش مالی و توانایی مدیریت	<i>F.E.CEO * M.A</i>	۰/۰۰۵	۰/۲۲۳	۰/۸۲۳	۱/۹۶۸
لگاریتم سن شرکت	<i>Log(age)</i>	۰/۰۴۵	۰/۵۱۷	۰/۶۰۵	۱/۰۱۷
لگاریتم دارایی‌ها	<i>Log(assets)</i>	-۰/۰۶۰	-۴/۰۵۵	۰/۰۰۰	۱/۰۶۹
اندازه حسابرس	<i>Audit Size</i>	۰/۰۱۵	۰/۷۹۳	۰/۴۲۸	۱/۰۲۷
اهرم مالی	<i>Leverage</i>	۰/۰۲۱	۰/۹۸۳	۰/۳۲۶	۱/۵۸۹
نرخ بازده دارایی‌ها	<i>ROA</i>	۰/۰۱۷	۰/۶۷۲	۰/۵۰۲	۱/۶۴۹
عرض از مبداء	<i>C</i>	۰/۱۰۴	۰/۹۰۷	۰/۳۶۵	NA
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۴۳	دوربین واتسون	۱/۸۲۲		
آماره F	۱۱/۲۱۰	احتمال آماره F	۰/۰۰۰		
آماره نسبت درست نمایی LR	۴۱۸/۳۵	احتمال آماره LR	۰/۰۰۰		

بر اساس نتایج جدول بالا، ضریب تعامل متغیر دانش مالی مدیرعامل و توانایی مدیریت ۰/۰۰۵، آماره t و سطح معنی داری آن به ترتیب برابر با ۰/۲۲۳ و ۰/۸۲۳ می‌باشد که بیانگر معنی دار نبودن آن می‌باشد. براین اساس می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری نمود که توانایی مدیریت بر رابطه بین دانش مالی مدیران عامل و کیفیت حسابرسی تأثیری ندارد و فرضیه سوم پژوهش رد می‌شود. آماره F رگرسیون ۱۱/۲۱۰ و سطح معنی داری آن برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۵۴۳ بوده بدین معنا است که حدود ۵۴/۳٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط، متغیرهای توضیحی و کنترلی تبیین گردیده است.

#### ۶- بحث و نتیجه‌گیری

در عصر جدید، فعالیت‌های مالی، اداری و عملیاتی بنگاه‌های اقتصادی در جهان، پیچیده،

گسترده و درعین حال دانش محور و متکی به مدیریت حرفه‌ای گردیده‌است. هدایت، راهبری و کنترل این شرکت‌ها در هزاره سوم، مستلزم وجود مدیرانی متخصص با دانش مالی و توانایی‌های فکری بالا است. تنوع و پیچیده شدن تولیدات و گسترش عملیات جغرافیایی، بیش از گذشته به موضوع تفکیک مالکیت از مدیریت، نیاز به مدیران عامل با دانش مالی و مدیرانی با توانایی بیشتر، جهت سودآوری و مخابره اطلاعات اقتصادی باکیفیت و قابل اتکاء برای تصمیم‌گیری عقلایی، دامن زده‌است. از سویی دیگر عواملی همچون نیاز به افزایش کنترل‌های داخلی، بهبود کیفیت گزارشگری مالی، بهبود کیفیت حسابرسی، گزارشگری مالی، پایداری، کاهش ریسک اطلاعاتی، خلق ارزش برای بنگاه و نیاز به اجتناب مالیاتی، باعث گردیده تا نیاز به مدیرانی با دانش مالی و توانایی بهتر، بیشتر از گذشته در شرکت‌ها محسوس گردد. به همین دلیل در چند سال اخیر، بعد جدیدی از پژوهش‌های حسابداری، در خصوص تأثیر عوامل مدیریتی، همچون دانش مالی مدیرعامل و توانایی مدیریت بر دیگر متغیرهای حسابداری و حسابرسی آغاز گردیده، تا اندیشمندان حسابداری و تامین‌کنندگان منابع مالی به سنجش تأثیر آنان بر بنگاه بپردازند.

تاکنون در محیط اقتصادی ایران، پژوهشی در این خصوص صورت پذیرفته است. هدف این پژوهش بررسی تأثیر دانش مالی مدیران عامل بر کیفیت حسابرسی با در نظر گرفتن اثر متغیر تعدیل‌کننده توانایی مدیریت در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران بوده است. بدین منظور سه فرضیه تدوین و آزمون گردیده‌است.

نتایج آزمون آماری فرضیه اول این پژوهش بیانگر این است که دانش مالی مدیران عامل تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی داشته و حق‌الزحمه غیر عادی حسابرسی را کاهش می‌دهد. بنابراین فرضیه اول در محیط اقتصادی ایران مورد تایید قرار گرفت. نتایج این پژوهش مطابق با پژوهش‌های یو و همکاران (۲۰۲۰)، ربیع و همکاران (۲۰۱۵)، ماتسونگا و ینگ (۲۰۱۴) لاری دشت بیاض و اورادی (۱۳۹۶) می‌باشد. بر این اساس مدیران عاملی که دارای دانش مالی هستند، نظارت قابل ملاحظه‌ای به بخش امور مالی، حسابرسی داخلی و همچنین توجه به بهبود کنترل‌های داخلی دارند. احتمال اینکه مدیران عامل متخصص در زمینه مسائل مالی، نقش بهبود گزارشگری مالی و افشاء بهتر اطلاعات را جهت کاهش عدم تقارن اطلاعات درک نمایند، بیشتر است. آنان ریسک اشتباهات را در سیستم گزارشگری کاهش

و کیفیت حسابرسی شرکت را افزایش می‌دهند.

فرضیه دوم در این پژوهش بیانگر این است توانایی مدیریت، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی دارد. در تخمین نهایی مدل ضریب متغیر توانایی مدیریت در رگرسیون مثبت بود و تفسیر آن این است که با افزایش توانایی مدیریت کیفیت حسابرسی افزایش و حق‌الزحمه غیر عادی حسابرسی کاهش می‌یابد که نتایج بدست‌آمده با فرضیه دوم پژوهش همخوانی داشته و در نتیجه فرضیه دوم نیز مورد تأیید قرار گرفت. نتیجه این آزمون مطابق با نتایج بدست‌آمده از پژوهش گول و همکاران (۲۰۱۸)، کریشنان و وانگ (۲۰۱۵)، لاری دشت بیاض و اورادی (۱۳۹۶) و حسنی القار و سیدی (۱۳۹۶) می‌باشد. تأثیرگذاری مثبت توانایی مدیریت بر کیفیت حسابرسی و کاهش حق‌الزحمه غیر عادی می‌تواند بیانگر این موضوع باشد که، حساب‌رسان در مواجهه با شرکت‌هایی با توانایی مدیریت بالاتر، با مدیریت ریسک سازمانی، افزایش کنترل‌های داخلی همچنین بهبود کیفیت گزارشگری مالی مواجه هستند و در نتیجه حساب‌رسان، ریسک حسابرسی کمتری را تحمل خواهند نمود. بنابراین حق‌الزحمه آنان به حق‌الزحمه عادی نزدیک‌تر بوده و حق‌الزحمه غیر عادی کمتری را درخواست می‌نمایند.

در فرضیه سوم پژوهش این موضوع مورد آزمون قرار گرفت که: توانایی مدیریت رابطه بین دانش مالی مدیران عامل و کیفیت حسابرسی را تقویت می‌کند. در تخمین نهایی مدل، ضریب تعامل متغیر دانش مالی مدیرعامل و توانایی مدیریت معنی‌دار نبود. براین اساس می‌توان گفت توانایی مدیریت بر روی رابطه بین دانش مالی مدیران عامل و کیفیت حسابرسی تأثیری مثبت و معنی‌داری ندارد و این رابطه را تقویت و یا تضعیف نمی‌کند و در نتیجه فرضیه سوم پژوهش رد می‌شود. از سویی دیگر می‌توان نتایج فرضیه سوم را با توجه به نتایج حاصل از فرضیات یک و دو این‌گونه تفسیر نمود چنانچه عوامل مدیران عامل دارای دانش مالی و یا توانایی مدیریت در یک شرکت، هر یک به صورت مستقل جهت کیفیت حسابرسی بکار گرفته شوند می‌توانند باعث بهبود کیفیت حسابرسی گردد. ولی چنانچه در شرکت وظایف بهبود کیفیت حسابرسی با دخالت همزمان مدیران عامل دارای دانش مالی و توانایی دیگر مدیران تداخل نماید این فرآیند نمی‌تواند افزایش کیفیت حسابرسی و کاهش حق‌الزحمه عادی حسابرسی را به همراه داشته باشد. احتمال دارد متغیرهای دیگری همچون خودشیفتگی یا بیش اعتمادی مدیران در رابطه تأثیرگذار هستند که باعث خنثی شدن اثر همزمان دانش مالی و توانایی مدیریت بر کیفیت

حسابرسی گردیده‌اند.

در کل نتایج این پژوهش و دیگر پژوهشگران به صورت مستقیم و غیر مستقیم نشان داد که مدیران عامل دارای دانش مالی بر کنترل‌های داخلی، کیفیت گزارشگری مالی، کیفیت حسابرسی، کاهش ریسک حسابرسی، کاهش حق‌الزحمه غیرعادی و کاهش ریسک اطلاعاتی جهت تصمیم‌گیری تأثیرگذار هستند. بنابراین به سرمایه‌گذاران آتی که تمایل به سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران دارند پیشنهاد می‌گردد در هنگام انتخاب سرمایه‌گذاری بهینه، صورت‌های مالی آن گروه از شرکت‌هایی را جهت بررسی سرمایه‌گذاری انتخاب نمایند که در آن شرکت از مدیران عامل دارای دانش و تجربه مالی استفاده نموده‌اند. همچنین به پژوهشگرانی آتی پیشنهاد می‌گردد تا تأثیر دانش مالی مدیران عامل را بر دیگر متغیرها مانند ارزش افزوده اقتصادی، سرمایه‌های فکری، ریسک‌های محیطی، اجتماعی و حاکمیتی<sup>۶۹</sup> (ESG)، کیفیت سود و مدیریت ریسک مورد سنجش قرار دهند.

برخی از محدودیت‌های زیر در گردآوری داده‌های پژوهش باعث گردید، حجم نمونه کاهش یابد. این موارد عبارتند از اینکه: تعداد زیادی از شرکت‌های صنعت نفت، گاز و پتروشیمی هزینه‌های حسابرسی خود را در یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی افشاء نموده بودند. همچنین اطلاعات مدرک تحصیلی مدیران عامل برخی از شرکت‌های بورسی بطور کامل در دسترس نبود. چنانچه اطلاعات بالا بطور کامل در دسترس قرار می‌گرفت احتمالاً می‌توانست تا حدودی بر نتایج پژوهش تأثیرگذار باشد.

#### یادداشت‌ها

- |                           |                           |
|---------------------------|---------------------------|
| 1. Custodio & Metzger     | 2. Feng et al.            |
| 3. Gounopoulou & Pham     | 4. Durfee                 |
| 5. Cullinan & Roush       | 6. Gul et al.             |
| 7. Oradi et al.           | 8. Matsunaga et al.       |
| 9. Francis et al.         | 10. Kalelkar & Khan       |
| 11. Rabea et al.          | 12. Matsunaga et al.      |
| 13. Upper echelons theory | 14. Hambrick & Mason      |
| 15. Human Capital theory  | 16. Amit & Shomaker       |
| 17. Parmar et al.         | 18. social network theory |
| 19. Granovetter           | 20. Alawaqleh et al.      |

- |  |                                     |
|--|-------------------------------------|
| 21. Beyer et al.                             | 22. Top management teams theory     |
| 23. Bunderson & Sutcliffe                    | 24. Bamber et al.                   |
| 25. De Angelo                                | 26. Nichol et al.                   |
| 27. DeFond & Zhang                           | 28. Magee & Tseng                   |
| 29. Dye                                      | 30. Antle & Nalebuff                |
| 31. Graham & Harvey                          | 32. Lins et al.                     |
| 33. Ittonen                                  | 34. Gaynor et al.                   |
| 35. Defond & Zhang                           | 36. Hribar et al.                   |
| 37. Knechoel et al.                          | 38. Asthana & boone                 |
| 39. Chi Lin et al.                           | 40. Baatwah et al.                  |
| 41. Francis et al.                           | 42. Bertr& & Schoar                 |
| 43. Leverty & Grace                          | 44. Yu et al.                       |
| 45. Rezaee et al.                            | 46. Alawaqleh                       |
| 47. Ying & He                                | 48. Demerjian et al.                |
| 49. Ge et al.                                | 50. Dyreng et al.                   |
| 51. Krishnan & Wang                          | 52. www.codal.ir                    |
| 53. Excel                                    | 54. GAMS                            |
| 55. EViews                                   | 56. STATA                           |
| 57. Chi Lin et al.                           | 58. Book Value                      |
| 59. Market Value                             | 60. Managerial Ability              |
| 61. GAMS                                     | 62. Decision Making Unit (DMUs)     |
| 63. Data Envelpment Analysis                 | 64. Firm Efficiency                 |
| 65. Winsorising                              | 66. Variance Inflation Factor (VIF) |
| 67. Durbin-Watson                            | 68. Generalized least squares (GLS) |
| 69. Environmental, Social & Governance Risks |                                     |

## منابع

- ایتونن، کیم. (۲۰۱۰). گزارش حسابرسی و بازار سرمایه (چاپ اول)، ترجمه رضازاده، جواد (۱۴۰۰)، تهران، انتشارات ترمه.
- بنی‌مهد، بهمن؛ عربی، مهدی و حسن‌پور، شیوا. (۱۳۹۷). پژوهش‌های تجربی در حسابداری (چاپ پنجم)، تهران، انتشارات ترمه.
- بهمنش، مهرانه؛ طوطیان اصفهانی، صدیقه و میر سیاسی، نیلوفر. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین دانش مالی مدیرعامل و سیاست‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مدیریت کسب و کار، (۴۳)، ۲۲۴-۲۰۱.



حسنی‌القار، مسعود و سدید، مهدی. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۶(۴۲)، ۹۴-۷۹.

خواجوی، شکراله، دهقانی سعدی، علی‌اصغر و گرامی شیرازی، فرزاد. (۱۳۹۵). تأثیر خودشیفتگی مدیران بر مدیریت سود و عملکرد مالی. مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، ۸(۲)، ۱۲۳-۱۴۹.

درویشی، میلاد، ساعی، محمدجواد و کاردان، بهزاد. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر سوگیری بودجه‌ای مدیران. مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، ۱۱(۲)، ۱۱۷-۱۵۰.

دیانتی دیلمی، زهرا؛ مرادزاده‌فرد، مهدی و مظاهری، علی. (۱۳۹۲). اثر دوره تصدی مدیریت بر ارزش شرکت، هزینه‌های نمایندگی و ریسک اطلاعاتی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۳(۹)، ۲۱-۳۹.

طاهری عابد، رضا؛ علی‌نژاد ساروکلائی، مهدی و فغانی ماکرانی، خسرو. (۱۳۹۷). توانایی، دانش مالی مدیران عامل و شفافیت گزارشگری مالی، مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری مالی، ۵(۲)، ۸۵-۱۱۰.

عزیزپور شیرسوار، محسن. (۱۳۹۵). ارتباط بین کیفیت حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی، ماهنامه پژوهش‌های مدیریت و حسابداری، ۲۵، ۱۰۵-۸۸.

لاری دشت‌بیاض، محمود و اورادی، جواد. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین دوره تصدی و دانش مالی مدیرعامل با حق‌الزحمه حسابرسی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۴(۱)، ۱۰۲-۸۱.

نیکبخت، محمدرضا؛ شعبان‌زاده، مهدی و کنارکار، امین. (۱۳۹۵). رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و تجربه حسابرس با کیفیت حسابرسی، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، ۲(۱)، ۲۰۸-۱۹۰.

#### ب. انگلیسی

Alawaqleh, Q. A., Almasria, N. A. & Alsawalhah, J. M. (2021). The effect of board of directors and ceo on audit quality: Evidence from listed manufacturing firms in Jordan, *Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 8(2), 243-253.

- Amit, R., & Shoemaker, P. (1993). Strategic assets and organizational rent, *Strategic Management Journal*, 14(1), 33–46.
- Antle, R., & Nalebuff, B. (1991). Conservatism and auditor-client negotiations, *Journal of Accounting Research*, 29, 31–54.
- Baatwah, S. R., Salleh, Z., & Ahmad, N. (2015). CEO characteristics and audit report timeliness: do CEO tenure and financial expertise matter? *Managerial Auditing Journal*, 30(8/9), 998-1022.
- Bamber, L. S., Jiang, J., & Wang, I. Y. (2010). What's my style? The influence of top managers on voluntary corporate financial disclosure, *Accounting Review*, 85 (4), 1131-1162.
- Bertrand, M., & Schoar, A. (2003). Managing with style: The effect of managers on firm policies, *The Quarterly Journal of Economics*, 118(4), 1169–1208.
- Chi Lin, F., Cheng Lin, Y., & Chieh-Shuo, Ch. (2016). Accrual reversals and audit fees: the role of abnormal audit fees, *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 25(1-2), 1-19.
- Cullinan, C. P., & Roush, P. B. (2011). Has the likelihood of appointing a CEO with an accounting/finance background changed in the post-Sarbanes Oxley era? *Research in Accounting Regulation*, 23(1), 71-77.
- Custódio, C., & Metzger, D. (2014). Financial expert CEOs: CEO's work experience and firm's financial policies, *Journal of Financial Economics*, 114(1), 125–154.
- De Angelo, L. (1981). Auditor independence, “low-balling” and disclosure regulation, *Journal of Accounting and Economics*, 3(2), 113–127.
- DeFond, M., & Zhang, J. (2014). A review of archival auditing research, *Journal of Accounting and Economics*, 58(2-3), 275–326.
- Demerjian, P., Lewis- Western, M., & McVay, S. (2017). How Does Intentional Earnings Smoothing Vary with Managerial Ability? *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 35(2), 1- 32. Conference Submission. DOI: 10.1177/0148558X17748405
- Demerjian, P.R., Lev, B., Lewis, M. F., & McVay, S.E. (2013). Managerial ability and earnings quality, *The Accounting Review*, 88(2), 463–498.
- Durfee, D. (2005). Why more companies are tapping their finance chiefs for CEO, *CFO Magazin*, 1 (10), 45–52.
- Dye, R. A. (1991). Informationally motivated auditor replacement, *Journal of Accounting and Economics*, 14(4), 347–374.

- Dyreng, S., D., Hanlon, M., & Maydew, E., L. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance, *The Accounting Review*, 85(4), 1163–1189.
- Feng, M., Ge, W., Luo, S., & Shevlin, T. (2011). Why do CFOs become involved in material accounting manipulations? *Journal of Accounting and Economics*, 51(1–2), 21–36.
- Francis, J., & Huang, A. H., Rajgopal, S. and Zang, A. Y. (2008). CEO reputation and earnings quality, *Contemporary Accounting Research*, 25(1), 109-147.
- Gaynor, L. M., Kelton, A. S.; Mercer, M. & Yohn, T. L. (2016). Understanding the relation between financial reporting quality and audit quality, *Auditing: A Journal of Practice & Theory American Accounting Association*, 35(4), 1–22.
- Ge, W., Matsumoto, D., & Li Zhang, J. (2011). Do CFOs have style? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on accounting practices, *Contemporary Accounting Research*, 28(4), 1141–1179.
- Gounopoulos, D, & Pham, H. (2018). Financial expert ceos and earnings management around initial public offerings, *The International journal of accounting*, 53(2), 102-117.
- Graham, J.R., & Harvey, C.R. (2001). The theory and practice of corporate finance: evidence from the field, *Journal of Financial Economics*, 60(2-3), 187–243.
- Granovetter, M. (2005). The impact of social structure on economic outcomes, *The Journal of Economic Perspectives*, 19(1), 33–50. <https://doi.org/10.1257/0895330053147958>
- Gul, A.F., Khedmati, M., Lim, E. K.Y., & Navissi, F. (2018). Managerial ability, financial distress, and audit fees, *American Accounting Association, Accounting Horizons*, 32(1), 29–51.
- Hambrick, C. D., & Mason, P.A. (1984). Upper echelons: The organization as a reflection of its top managers, *Academy of management review*, 9(2), 193-206.
- Kalelkar, R., & Khan, S. (2016). CEO financial background and audit pricing, *Accounting Horizons American Accounting Association*, 30(3), 325-339.
- Krishnan, G., & Wang, C. (2015). The relation between managerial ability and audit fees and going concern opinions, *Auditing: A Journal of*

- Practice & Theory*, 34 (3): 139–160.
- Leverly, J.T., & Grace, M.F. (2011). Dupes or incompetents? An examination of management's impact on firm distress, *The Journal of Risk and Insurance*, 79(3), 751-783.
- Magee, R.P. & Tseng, M.C. (1990). Audit pricing and independence, *The Accounting Review*, 65(2), 315–336.
- Matsunaga, S. R., Wang, Sh., & Yeung, P.Y. (2014). Does Appointing a Former CFO as CEO Influence a Firm's accounting and Disclosure Policies?  
[https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=2206523](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2206523), 1-49.
- Oradi, J., Asiaei, K., & Rezaee, Z. (2020). CEO financial background and internal control weaknesses, *Corporate Governance: An International Review*, 28(2), 119-140.
- Parmar, B. L., Freeman, E.R., Harrison, J. S., Wicks, A. C., Purnell, L.& Colle, S. D. (2010). Stakeholder Theory, *The academy of management annals*, 3(1), 403–445.
- Rabea, S., Zalailah, B, & Norsiah Ahmad, S. (2015). CEO characteristics and audit report timeliness: Do CEO tenure and financial expertise matter? *Managerial Auditing Journal*, 30(8/9), 1-33.
- Rezaee, Z., Asiaei, K., & Safdel, S. (2021). Are CEO experience and financial expertise associated with financial restatements? *Spanish Accounting Review*, 24(2), 270- 281.
- Ying, Q., & He, S. (2020). Is the CEOs' financial and accounting education experience valuable? Evidence from the perspective of M&A performance, *China Journal of Accounting Studies*, 8(1) , 1-32.
- Yu, J., Kwak, B., Park, M.S., & Zang, Y. (2020). The impact of CEO/CFO outside directorships on auditor selection and audit quality, *European Accounting Review*, 30(4), 611-643.